

مجله فرهنگ و هنر مسیحی

دسامبر ۲۰۲۵ - آذر ۱۴۰۴ - شماره ۱۱۶

NO:116 DECEMBER- 2025



ماهنامه اسمیرنا به صورت رایگان عرضه می گردد



WWW.Smyrna-Magazine.com

Magazine No 116

Smyrna Church JBM

SMYRNA MAGAZINE

NUMBER:116

2025

December

Copyright©2025 by JBM

Presented By Jubal Band Ministries

MERRY
CHRISTMAS

ارتباط با ما

اگر از نسخه آنلاین استفاده می کنید کافیهست
روی آدرس ها کلیک کنید تا مستقیم وارد شوید
www.smyrna-magazine.com
www.smyrnacollege.com

smyrnamagazine@gmail.com
info@jubalbandministries.org

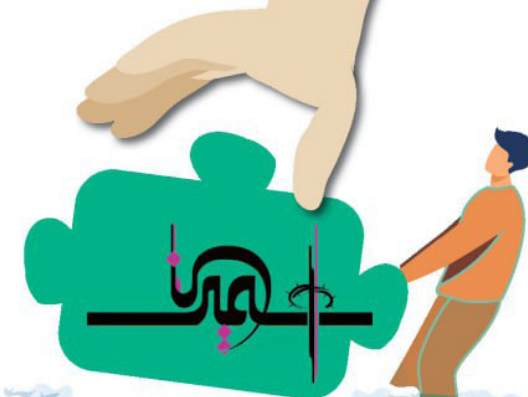
[@smyrna.jubal.church](https://www.facebook.com/smyrna.jubal.church)

[Smyrnachurch_jbm](#)
[Smyrna_church_jbm](#)

Smyrna Church (JBM)
Omid Sabooki

(+1) 469 793 96 88
(+1) 770 268 91 76
(+90) 534 269 75 45

Smyrna Church (JBM)



سردیبر
عیسی

مجله مسیحی اسمیرنا

آذر، ۱۴۰۴ / دسامبر ۲۰۲۵

مجله شماره ۱۱۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

امید سبوکی

صفحه پردازی: احسان، زهرا، حسن
طراحی صفحات: تیم گرافیک اسمیرنا
طراحی جلد: المیرا، امید
ترجمه: مهسا، مینا، امید
ویراستاری: تیم اسمیرنا



همیاران اسمیرنا

بهزاد، جواد، جیمز، یاشار، بهنام،
زهرا، سمیه، گاو، مایا، مانده،
فرشید، ادموند، ادیسون، استیو،
مریم، مسعود، شمس، علی، ترابی،
... هلنا، محمدحسین، سارا، حسین،

و کلیسای اسمیرنا در
ترکیه، ایران، کانادا، اروپا و آمریکا

«یوبال باند» گروه فرهنگی و هنری مسیحیان ایرانی و فارسی زبان
می باشد.

شما می توانید مقالات، مطالب، دلنوشته و شهادت های خود
را برای درج در مجله اسمیرنا برای ما ارسال فرمایید. اختیار
ویرایش و خلاصه کردن مقالات با هیات تحریریه مجله می باشد.
ناشران مجله از درج مقالات و نکاتی که حاوی مطالب اهانت آمیز
به کلیساهای، ادیان دیگر و یا گروه های سیاسی باشد، معذورند.
مقالات مندرج در این مجله الزاماً نظریه ناشران مجله یا موسسه
یوبال باند نیست. کلیه حقوق مربوط به آثار نوشتاری و گرافیکی
و دیگر محتویات این مجله به طور کامل متعلق به گروه یوبال
باند می باشد، و هر گونه استفاده بدون مجوز کتبی از طرف مدیر
مسئول، غیر قانونی و قابل پیگیری می باشد.



آنچه در این شماره می‌خوانیم:

سرمقاله
ستاره کجاست؟

۶

از گوشه و کنار جهان
خبر

۸

رسم شاگردی
فصل انتظار

۱۰

خانواده‌ای زیر صلیب
نقش تولد عیسی در زندگی من

۱۲

نقش و نگار
تابلوها

۱۶

نگاهی به
سیخای جهان
بازی مرکب

۱۸

شما می‌توانید برای دسترسی
مستقیم به صفحه مورد نظر، روی
آن کلیک کنید و برای بازگشت به
صفحه فهرست نیز بر روی دکمه
بازگشت کلیک کنید.



نگاهی به
سیخای ایران
ساعت شش صبح

۲۰

معرفی کتاب
کتاب‌های منتخب اسمیرنا

۲۲

کلیسا در جفا
آموزش غیرقانونی انجیل

۲۴

سبک زندگی،
زندگی سالم
هدیه

۲۸

تنور (آشپزی)
نان زنجبیلی

۳۰

تاریخ سازان آسمانی
لیدی جین گری

۳۲

کانون شادی
خبر خوش خداوند

۳۴

صفحه روز
ماجرای غریبه مسافر

۴۰

من یک زن هستم
خداوند می‌خواهد تو را
شفا دهد

۴۲

ارتشی برای دعا
ایران

۴۶

دلنوشته‌های
دور و نزدیک
نامه به پدر آسمانی

۴۸

سرگرمی
جدول

۵۰

معرفی برنامه‌ها
ارتباط با ما

۵۴





سر مقاله

ستاره کجاست؟



بعد از یک روز کاری خیلی سخت و ترافیک خیابونها و گرمای سوزان شهر بالاخره به خونه رسیدم و کیف سنگینم رو کنار در گذاشتم و با همون کفش و کراوات به روی کاناپه جلوی تلویزیون پریدم و سرم رو روی بالشکهای اون فشار دادم تا خستگی گردنم رو کمتر کنم و چشمم رو بستم و نفس عمیقی کشیدم و اون رو بیرون دادم تا کمی از این شلوغیها و خستگیها ریلکس شم. داشتم از فکرهای بیرون خودم رو خالی می کردم که یهو پسر و دخترم با سر و صدا و فریاد شادی وارد خونه شدن و پریدن روی من تا با خوشحالی خریدهای کریسمسی و تزیینات رو نشونم بدن. نمیدونستم از خوشحالی اونها شاد باشم و یا خستگیهامو ببینم و بهشون بگم بذارید برای بعد.

تصمیم گرفتم وسط ماجرا رو بگیرم و با لبخندی گفتم: وای چقدر قشنگن. آفرین چه خریدهای خوبی کردین. برید درخت رو تزیین کنید و بذارید بابا هم کمی استراحت کنه.

هر دو با ذوق پریدن و رفتن مشغول تزیین کردن درخت کریسمس شدن. کمی خودم رو روی کاناپه جابجا کردم و دوباره سرم رو فشار دادم به بالشکها و چشمهامو بستم. صدای کشمکشها و چالشها و دعوها و خندههای بچهها هنوز میومد که سر کادوها بحث می کردند ولی اعتنایی نکردم و سعی کردم افکارم رو خالی کنم و رفته رفته چشمهام سنگین و سنگین تر می شد تا

دیدم روی تپه ای دارم بالا میرم و به یک کاروانسرای کهنه رسیدم. نوری از گوشه کاروانسرا می تابید و جلو رفتم و سه نفر رو دیدم که در تاریکی شب چراغ فانوس کوچکی رو روشن کردن و در حال صحبت کردن هستند. با دیدن من لبخندی زدند و مرا به سر سفره خود دعوت کردند. با آنها نشستم و گرم گفتگو شدم. پرسیدم از کجا می آید و پاسخ دادند از دیار دور ... وقتی از آنها پرسیدم برای چه به اینجا اومدید و چه می خواهید به صندوقچه و خورجینهای روی شترهایشان اشاره کردند. پرسیدم اینها چیست آیا تاجرید؟ گفتند اینها هدیه است و هدیه هایی برای منجی آسمانی. او به میان جهانیان آمده گفتم آهان ... کریسمس رو میگیرد و تولد مسیح رو بچه های منم دارن هدیه هاشونو زیر درخت میذارن. نگاهی به هم کردند و رو به من گفتند: اما این هدایا برای منجی است برای آن پادشاه. و نگاهشان به آسمان، ستاره ها رفت و ادامه دادند ستاره ما را تا به اینجا آورده است

چشمانم را کمی گشودم. انگار بار و خستگیها رفته بودند. چراغهای چشمک زن روی درخت چشمانم را نوازش می کرد و تزیینات رنگارنگ درخت کنار تلویزیون چشمانم را به خود آورد و گشود.

هدایای زیر درخت و جورابهای آویزان بالای شومینه سنگی، مرا به فکر فرو برد. هدایای ما کجاست؟ جعبه

های زیر درخت برای خانواده بود اما هدیه مسیح کجاست. بالای درخت ستاره ای نور افشانی می کرد و مرا به حرف آن سه مرد کشانید ... ستاره ما را به اینجا آورد بیاد آوردم قبل از مسیح چطور درگیر خشمها بودم. بیاد آوردم چطور مسیح همسر و فرزندانم را به من بخشید. ثانیه و روزها و سالها مثل برقی از جلوی چشمانم گذشت. آری ستاره مرا به اینجا آورد.

صدای دعوای بچه ها بر سر هدیه ای مرا به خود آورد و بلند شدم و به کنارشان رفتم. جعبه هدیه را گرفتم و با لبخندی به آنها گفتم: «هدیه مسیح کجاست؟ برای مسیح چه هدیه ای خواهیم داشت؟»

هر دو به هم و به من نگاهی کردند و به فکر فرو رفتند

آری ستاره ما را به اینجا آورد.



امیر سوبhani



از گوشه و کنار جهان

خبر



راسل برند و آرامشی واقعی

راسل برند در شبکه‌های اجتماعی ادعا کرده است که خدا از «اعتیاد و حمله‌های شریر» برای «بازگشت او به سوی خودش» استفاده کرده است.

راسل برند، کم‌دین مشهور در طی یک مصاحبه گفت که اعتیاد در واقع تلاشی بیهوده برای رفع گرسنگی معنوی از طریق مادیات است. اما خداوند از اعتیاد او و حملات شریر برای جذب راسل به سمت خودش استفاده کرده است.

او در این مصاحبه گفت: «انسان دائماً به دنبال پر کردن خلأ درونی خود است و به همین دلیل به چیزهای مختلف مانند رابطه، شهرت، پول، تفریح، پناه می‌برد اما هیچکدام از اینها آرامش واقعی را به او نمی‌دهد و در نهایت وقتی از همه این‌ها ناامید می‌شود، به ناچار به مواد مخدر یا الکل پناه می‌برد، چون به دنبال آرامش و تغییر حال خودش است. این (الکل و مواد مخدر) معمولاً آخرین گزینه برای کسی است که به دنبال آرامش در چیزهای دنیوی می‌گردد. نه رابطه جنسی می‌تواند آرامش پایدار به تو بدهد، نه شهرت و نه پول، در نهایت مجبور می‌شوی مواد مخدر یا الکل را وارد زندگی‌ات کنی تا موقتاً حالت را تغییر بدهد.»

راسل گفت که اعتیاد نقش مهمی در رشد روحانی او داشته است. او در ادامه گفت «من همیشه تلاش می‌کردم از طریق اعتیاد از

خدا فرار کنم و از او فاصله بگیرم، اما درست از وقتی که تصمیم گرفتم دیگر از خدا فرار نکنم و با او مواجه بشوم و زندگی‌ام را تغییر بدهم، مشکلات، جنگ‌ها، وسوسه‌های شریر آغاز شد. اما می‌دانم که خدا اجازه داد این اتفاق بیفتد تا من به او نزدیک تر شوم، اهداف او محقق شود و نقشه‌هایش در زندگی من اجرا شود. وقتی دیگر توان جنگیدن نداشتم و به ته خط رسیدم متوجه شدم که این نه تنها پایان نبود بلکه مسیری برای آغاز و بازگشت به سوی او بود.

راسل برند که از سال گذشته قلب خود را به عیسی داد و تعمید گرفت بسیار خبر ساز شد. از آن زمان او از هر فرصتی استفاده می‌کند و در باره ایمان جدیدش با دیگران حرف می‌زند و آن را به اشتراک می‌گذارد. او هر بار می‌گوید که شهرت، پول و افتخارات دنیایی نمی‌تواند قلب انسان را آرام کنند و به نوعی انسان از درون احساس پوچی و خالی بودن می‌کند.

این تغییر و ایمان مسیحی در راسل زمانی رخ داد که کمتر از یک سال قبل به او اتهاماتی زده شده بود، و چهار زن او را به تجاوز و آزار جنسی و روحی متهم کرده بودند و در مجله‌ای مشهور در مورد او گزارش شده بود.

او در یک مصاحبه با تاکر در سال ۲۰۲۳ چند ماه قبل از ایمان آوردنش به مسیح گفت: «من هم مثل خیلی از انسانهای ناامید و مستاصل، نیاز به معنویت و ایمان دارم، به خدا نیاز دارم و گر نه نمی‌توانم در این دنیا دوام بیاورم.

راسل اعتراف کرد که به اندازه کافی انضباط شخصی و روحانی نداشته که بتواند در برابر جذابیت‌های دنیوی و زرق و برق شهرت خود را کنترل کند در نتیجه منجر به سقوط او شد و او می‌گوید که بعد از ایمان به مسیح توانسته است خود را تا اندازه‌ای از آن وضعیت بیرون بکشد. او در پست اینستاگرام خود آیه‌ای از اشعیا باب ۴۳ آیه ۱ را به اشتراک گذاشت که می‌گوید «تو را من نجات دادم، و تو را به نام خوانده ام و تو از آن من هستی»

راسل می‌گوید: «زمان‌هایی است که احساس می‌کنم از مسیح دور شده‌ام و این آیه‌ای است مرا بسیار تشویق می‌کند و مرا به سوی خود بازمی‌گرداند.»

راسل همچنین می‌گوید با تسلیم شدن در برابر مسیح، رها کردن انگیزه‌ها و هدف‌های شخصی و با سپردن کنترل زندگی‌اش به دستان او، آزادی وصف ناپذیری پیدا کرده است که قبل از مسیحی شدن هرگز آن را درک نمی‌کرد.



کتاب مقدس در تلفن همراه. همیشه همراه

ابتدا اپلیکیشن یوورژن در سال ۲۰۰۷ به عنوان یک وب‌سایت تأسیس شد و سپس به عنوان یکی از اولین برنامه‌های تلفن همراه در سال ۲۰۰۸ توسط بابی گرون‌والد و لایف چرچ تأسیس شد. در آپریل ۲۰۱۴، یوورژن نسخه ۵ برنامه کتاب مقدس را منتشر کرد که ویژگی‌هایی برای مشارکت اجتماعی و بحث در مورد کتاب مقدس به آن اضافه شده بود.

در آپریل ۲۰۱۶، برنامه کتاب مقدس در دسترس قرار گرفت و به کاربران امکان می‌داد تا آیه روز را بخوانند، آیات پرطرفدار را مشاهده کنند و به تصاویر آیه، نشانک‌ها و نکات برجسته خود دسترسی داشته باشند. تا آپریل ۲۰۱۷، یوورژن بیش از ۲۶۸ میلیون بار دانلود شده بود و ۱۴۹۲ نسخه از کتاب مقدس را به ۱۰۷۴ زبان ارائه می‌داد. در مارچ ۲۰۱۷، یوورژن سرویسی را با استفاده از دستیار گوگل در دستگاه‌های گوگل هوم راه‌اندازی کرد که به کاربران امکان می‌دهد تا جستجوی راحت‌تری در پیدا کردن آیه‌ها داشته باشند و در نوامبر ۲۰۲۱، این روند یوورژن به ۵۰۰ میلیون دانلود رسید.

خدا، قدرت تغییر زندگی‌ها را دارد به همین دلیل است که یوورژن تجربیاتی با محوریت کتاب مقدس و مرتبط با فرهنگ خلق می‌کند که مردم را تشویق می‌کند و به چالش می‌کشد تا در طول روز به دنبال خدا باشند. تشویق و به چالش کشیدن مردم برای جستجوی صمیمیت با خدا هدف و خواندگی فعالان در این اپلیکیشن می‌باشد با این امید که هر فرد در جامعه در سفری برای تبدیل شدن به کسی که خدا او را برای آن ساخته است، قدم بردارد.

این اپلیکیشن خواندن کلام خدا را در هر شرایطی مهیا کرده است به طوری که کاربران با توجه به انتخاب زبان خود قادر هستند به کلام خدا دسترسی داشته باشند.

خدا از طریق کلامش کارهای شگفت‌انگیزی انجام می‌دهد این آماری است که خدا تاکنون در سال ۲۰۲۵ در این اپلیکیشن انجام داده است. ۷۱.۳ میلیون نصب ۱.۶۷ میلیارد نکات برجسته / نشانه‌گذاری‌ها/یادداشت‌ها ۲۸۶ میلیون اشتراک‌گذاری آیه هر یک از این اعداد نشان دهنده زندگی‌ای است که توسط کلام خدا متحول شده است.

در سپتامبر ۲۰۲۲، برنامه کتاب مقدس لایت راه‌اندازی شد تا به افرادی که در مناطق دورافتاده در سراسر جهان به اینترنت کم دسترسی دارند هم به راحتی به کتاب مقدس دسترسی پیدا کنند.

در سال ۲۰۲۵ اپلیکیشن یوورژن ۸۴ زبان جدید کتاب مقدس را به اپلیکیشن کتاب مقدس اضافه کرده‌است. با این زبان‌های جدید، همچنان کلام خدا را به برخی از مناطق دورافتاده جهان برده می‌شود. و حتی برای اولین بار، مردم Lambya در مالای می‌توانند کل کتاب مقدس را به زبان دل خود بخوانند!

اگر شما هم مایل هستید که کلام خدا را بخوانید و او را بیشتر بشناسید می‌توانید با دانلود این اپلیکیشن، زبان و ترجمه مورد نظر خود را انتخاب کنید. آن را در برنامه مطالعه روز خود بگذارید. کلیسای اسمیرنا در خصوص سوالات و درخواست دعاها آماده شنیدن از شما عزیزان می‌باشد.

باشد که در میان این همه خبرهای جنجالی و بد، خبر خوش نجات قلب شما را پر از شادی کند.





فصل انتظار



شکر برای این روزها و جشنی که امروز یادآور داشتن جشنی در درون ماست. جشنی از اعتماد و پیروزی و محبت که قادر است، تمامی درون ما را پر از شادی حقیقی کند. کریسمس بر شما مبارک. پیام آمدن آن مولود و کریسمس در میان شلوغی‌ها و روزمره‌گی‌ها، یک بیداری دوباره است. **یک بیداری که ما را به جشن عظیمی که از درون ما را لبریز می‌کند، دعوت می‌کند.** جشنی که فریاد می‌زند من تو را می‌بینم و برای نجات تو آمده‌ام. به من اعتماد کن... اما در میان این دنیای پر از شکست‌ها و خیانت‌ها، مشکلات و سختی‌ها چطور اعتماد بر او را بنا کنم.

در انجیل لوقا باب یک داستان زکریا، کاهن معبد را در آیات ۱۷ به بعد می‌خوانیم. سالی که نوبت به زکریا افتاد تا وارد قدس الاقداس شود و مراسم را انجام دهد. اما امسال سالی متفاوت خواهد بود نه فقط برای آنکه نوبت به زکریا رسیده است بلکه وعده‌ای عظیم انتظار او را می‌کشد تا درون او و خانواده او را دگرگون کند. وعده داشتن یک فرزند. او و همسرش الیزابت سالهاست که در رنج نداشتن فرزند پیر و شکسته شده‌اند و حسرت داشتن فرزندی که در زندگیشان باشد، دردی است کهنه. اما حال نه فقط وعده آن را از فرشته می‌شنود بلکه این فرزند ماموریتی بزرگ برای تمام قوم را خواهد داشت. این مهم برای زکریا باور نکردنی بود.

سالها انتظار، سالها حسرت و ناکامی از پدر بودن او را بی‌اعتماد کرده است. می‌گوید: «**این را چگونه بدانم؟؟؟**» (یک نشانه به من بنما) زکریا فرشته خدا را دیده است و پیام او را شنیده است. فرشته‌ای که برای زکریا از جانب خدا فرستاده شده است. او حامل خبر و مژده‌ای بزرگ برای زکریاست اما زکریا پر از شک و تردید از زمانه است. شاید امروز من و شما نیز در این شرایط قرار داریم. شک و حسرتها درونمان را پر از بی‌اعتمادی کرده است. سالهاست خدمت می‌کنیم. او را دوست داریم. به عنوان ایمانداران به مسیح با او قدم برداشته‌ایم. شفاها و معجزات در اطرافمان دیده‌ایم و شنیده‌ایم اما بی‌اعتمادی در درونمان ریشه دوانده است و مثل زکریا به دنبال نشانه‌ای می‌گردیم از خدا. و این نشانه برای زکریا سکوت بود. زکریا بی‌اعتمادی نشان داد. کلام خدا را شنیده و سالهاست خدمتش



امروز این دعوت برای من و شماست. او نزدیک است و پیامی خاص برای تو دارد. مسیح گفت: «**بیایید نزد من ای گرانباران و زحمتکشان، من به شما آرامی خواهم داد.**» امروز این آرامی دعوتیست که به آن فراخوانده شده‌اید.

او می‌گوید: «قلب تو را دیده‌ام. سختی‌ها و فشارها و مشکلات را دیده‌ام و ناله‌هایت را شنیده‌ام. عشقت به من را می‌دانم. ایستادگی‌هایت را دیده‌ام. امروز نزد من بیا و به آرامی من داخل شو تا بارهای گران را بردارم.»

شاید امروز من و شما هم همچون زکریا پر شدیم از ناباوری، از بی‌وفایی‌ها، از خیانت‌ها. شاید امروز پریم از سواستفاده‌ها و دردها. اعتمادهایی که به هر شخص کردیم و خنجری از پشت نتیجه آن اعتمادها شد. زکریا هم پُر بود. اما باران رحمت آمد و کلام خدا جاری شد. امروز اجازه بده کلام خدا بر زندگی تو آمده و جاری شود. اجازه بده پُری او آمده و هر آنچه درون ظرف زندگی تو را پر کرده است را بیرون بریزد. همچون ظرفی که از جاری شدن آبی پاک هر آنچه در آن است به بیرون می‌ریزد و همزمان از پاکی و سبکی و زلالی آن آب پُر می‌شود.

این باران رحمت است که بیابان‌های زندگی را به بوستان و جنگل‌ها مبدل خواهد ساخت. زکریا ۹ ماه بعد فرزندش را در آغوش می‌گیرد. چون در آرامی خدا وارد شد. پر از شکرگزاری هرروزه. **فصل انتظار سخت است اما بدان او به وعده‌های خود امین است و به او می‌توانی اعتماد کنی.**



امیر سعیدی

می‌کند اما ترس‌ها و شکست‌ها در درون او بی‌اعتمادی را کاشته است و پاسخ خدا به این بی‌اعتمادی، ساکت شدن زکریاست. شاید امروز درمان بی‌اعتمادی و شک و تردید ما سکوت باشد. سکوتی که ما را به شنیدن دعوت می‌کند. چالشی بزرگ است و سخت. کمتر حرف بزن و بیشتر بشنو.

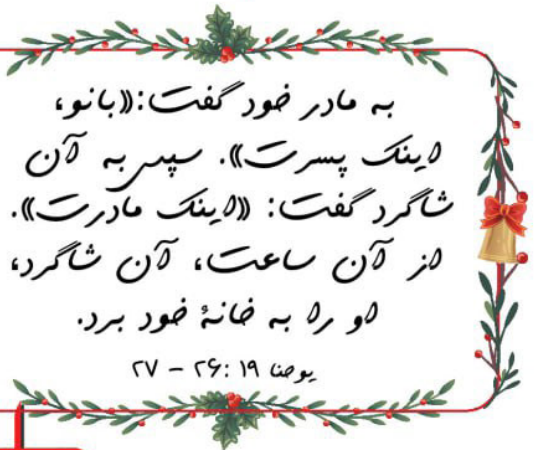
امثال سلیمان باب هشتم ما را دعوت می‌کند به سکوت، اگر سخنانمان بعدا باعث خجالتان باشد. در باب ۱۴ آیه ۱۰ نیز سکوت و مداخله نکردن در کاری که به آن دعوت نشدی. و بسیاری آیات که در مواقع و شرایطی ما را به سکوت دعوت می‌کنند.

مزمور ۴۶ آیه ۱۰ نیز اذعان می‌کند: **بازایستید و بدانید من خدا هستم؛ او مهیاکننده و خالق و قادر است.**

گاهی اینقدر شلوغ شده‌ایم که از خلقت این خالق لذت نمی‌بریم. از مشارکت‌های با دیگر برادر و خواهران لذت نمی‌بریم و حتی از کلیسا و خانواده الهی لذت نمی‌بریم. امروز نیاز داریم تا بشنویم و شکرگزاری کنیم. برای زمانی که پر از ناامیدی و ترس بودم و خدا آن را برداشت. امروز کنار کلیسا و خانواده الهی هستم شاید فردا این فرصت از من ربوده شود. پس با شکرگزاری ببینم.

سکوتی که مرا به تأمل و یادآوری و شکرگزاری می‌کشاند. فرصتهای اطرافم را ببینم. فرصت دیدن فرزندانم، همسر، برادر و خواهرها و و این سکوت تو را به آرامی خدا وارد می‌کند. خدا در سکوتی که به زکریا می‌دهد دعوتی متفاوت دارد.

به آرامی من وارد شو. در این آرامی خود را احیا کن. همه آنچه فکر می‌کنی نشدنی و غیرممکن است برای من ممکن خواهد بود فقط در آرامی و سکوت من داخل شو. داشتن فرزند و نسل برای تو ممکن خواهد بود. نترس من خدای قادر هستم و تو را به آرامی و سکوت، به تأملی عمیق در کارهایم دعوت می‌کنم.



خانواده‌ای زیر

صلیب



سلام و درود به خانواده‌ای که زیر صلیب مسیح و خون پربها و از طریق کار گرانبهای او تشکیل شد خانواده‌ای که نه از روی نیاز جسم و نه از روی هوسهای این دنیا و یا حتی نیازها و کمبودهای ما انسان‌ها بلکه بخاطر آشتی انسان با خدای قادر مطلق شکل گرفت تا با تمام ضعفها دست در دست هم در مسیر خدا حرکت کنیم. تمامی اینها با آمدن عیسی مسیح و جسم گرفتن او و ساکن شدن او در بین انسان‌ها و اتمام کار او با برخاستن از مردگان به اتمام رسید.

امروز تو و من نیز خوانده شده‌ایم تا نقشه‌عالی خداوند را برای خودمان با قوت او به اتمام برسانیم.

در این شماره سخن تعدادی از افراد را که پذیرش مسیح زندگی‌هایشان را دگرگون کرده با شما به اشتراک می‌گذاریم.

سلام خواهر زهرای عزیز خوشحال می‌شیم امروز کریسمس و معنی اون رو در زندگی شما رو بشنویم.

همیشه فکر می‌کردم خدا خیلی دوره و صدامو نمی‌شنوه اما با شناخت مسیح به قدرت و عظمت خدا پی بردم چشمم انگار به حقیقتی باز شد که تا قبل از مسیح ندیده بودم کریسمس یا صلیب همه یادآور حضور خدای زنده است خدایی که خیلی نزدیکه و هر آن صدایش کنم منو می‌شنوه بهترین رفیق بهترین معشوقه و عشق حقیقی رو تنها در اون می‌بینم امروز چشمم به روی دنیا و وابستگی‌هاش بسته شده اما در دنیای مسیح همه چیز زیباییه خاص خودشو داره رنج هست اما امید هست طوفان هست اما آرامش هست بی‌خونگی هست اما اون پناهگاه امنه شکر برای حضورش.

خواهر مریم مسیح در زندگی شما چطور نقش بست؟

مسیح چطور در زندگی من نقش بست؟ درست زمانی که در اوج تاریکی زندگی می‌کردم، روحم پر از استرس و ترس از خدایی بود که انتقام گیرنده بود، خدایی که منتظر بود من بمیرم تا هم در برزخ هم در دنیای پس از مرگ منو محاکمه کنه و شکنجه کنه در لابلای همین ترس‌ها و پریشانیه‌ها خداوند عیسی دستام را گرفت و منو از دنیای ترسناک و تاریک نجات داد، منو با خدای واقعی آشنا کرد، روحم را از تاریکی نجات داد. ترس و غم و وحشت رفت و نور و شادی و آرامش جایگزینش شد.

برادر عباس عزیز مسیح در زندگی شما چطور نقش بست؟

مسیح ازوقتی وارد زندگی من شد پر از نور و برکت بود اولش که من موادمخدر رو ترک کردم. صبری که هیچوقت فکرشو نمی‌کردم داشته باشم پیدا کردم هر روز خوشحالم از اینکه از خواب بیدار میشم مخصوصا همین که منو آزاد کرد از این مذهبی زندگی کردن. برای من خیلی با ارزشه حال همیشه خوبه و دارم کم کم احساس وابستگی از آدمهارو حذف میکنم و وابستگی به مسیح پیدا میکنم این خیلی برام با ارزشه.

خواهر ستایش تجسم خدا در زندگی شما چگونه بود؟

این آیه در کلام خدا در یوحنا فصل یک آیه ۱۴ به این صورت است که کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد و جلال او را دیدیم جلالی شایسته پسر یگانه پر از فیض و راستی این آیه بیان می‌کنه که عیسی مسیح کلمه خداست که در قالب انسان بر روی زمین زندگی کرد و باعث شد که ما رابطه‌ای رو که با خدا از دست داده بودیم دوباره بدست بیاریم. تجسم خدا در زندگی من باعث شد حقیقت رو بهتر بشناسم و حقیقت مرا آزاد کرد و زندگی مرا از رحمت و برکت و فیض و راستی پرکرد. باعث شناخت بیشتر و بهتر خدا و هویت خودم شدم و هر لحظه از یک زندگی شاد و آرامی در مسیح بهره می‌برم جلال بر نام خدا شکر برای حضور و وجود خداوند.

خواهر مهشید تولد مسیح چه اثری در زندگی شما داشته؟

مسیح توی زندگی من یه نوری بود توی تاریکی‌هام یه امید توی ناامیدی‌هام. او که از ازل با خدا بود و خدا بود و نجات رو برام هدیه آورد اینکه مسیح جسم شد و به میان ما اومد نشان دهنده عشق بی‌پایان خدا به انسان است و تمام دردها و رنجهای مارو تجربه کرد و این حقیقت به من آموخت هیچ وقت تنها نیستم یه همراه صمیمی هست برام. با کلامش با محبتش و با فدیهِ خود بر صلیب منو نجات داد به من یاد داد در برابر سختی‌ها تسلیم نشم و با ایمان و امید پیش برم. زندگی واقعی در پیروی و اطاعت از اوست در عشق ورزیدن به دیگران در خدمت به نیازمندان.



خواهر سیما مسیح در قلب و زندگی شما چطور نقش بست؟

هرچقدر روح خدا در ما رسوخ کند به آرامش درونی خواهیم رسید هرچند که از محیط بیرون دچار استرس و بحران خواهیم شد همگی میدانیم که در روند و ادامه زندگی با فشارها و بحرانهای جدیدی روبرو میشویم مثل بحرانهای طبیعی مانند سیل، طوفان و زلزله و حوادثی مانند جنگ که

از عوامل بیرونی جهت

متشنج کردن روح و روان ما میباشند ولی با وجود خداوند و دست در دست خدا گذاشتن میتوان از این بحرانهای عبور کرد و مسیح اینگونه در زندگی من نقش بست.



برادر یاشار عزیز تولد مسیح چه نقش و تأثیری در زندگی شما داشته؟

حقیقتش اینه همه ما انسانها در یکسری باورهای غلط و سنتهای ساخته دست افراد سردرگم در حال گذران زندگی هستیم، راستش من هم مستثنا نبودم از این موضوع.

هر روز با ترس‌ها و خرافه‌ها روزم را شروع می‌کردم، با خشم و درد و کینه و تنش روزم رو ادامه می‌دادم و در آخر با قهر و نفرت از این دنیا و انسانهای اطرافم روز رو به شب تمام می‌کردم.

همیشه فکر می‌کردم خدا عادل نیست، برای بعضی‌ها زیاد و برای بعضی‌ها کم می‌خواد یکسری افراد رو بیشتر دوست داره، من آدم نحسی هستم. هر جا که می‌رم بدترینها برای من اتفاق می‌افته هر درد و بلایی هست برای من پیش میاد و کلا در تاریکی و افکار اون زندگی می‌کردم تا اینکه انجیل بدستم رسید و خبر خوش مسیح رو مطالعه کردم و فهمیدم خدا اینقدر جهان و انسانها رو به یک اندازه دوست داشته که به قول انجیل یوحنا باب معروف ۳ آیه معروف ۱۶ پسر یگانه خودش رو داد تا گناهان همه بخشیده بشه و همه مجوز آشتی با خدا رو داشته باشند بعد از اون که به عیسی مسیح ایمان آوردم کم کم پرده از چشمهام افتاد و خدا به یادم آورد تمام زمانهایی که من خدا رو نمی‌شناختم خدا حواسش به من بوده اون به دنبال من بوده تا من رو از تاریکی این دنیا به نور خودش دعوت کنه من این آزادی و شفا رو در تولد عیسی در زندگی خودم یافتم و یازده سال می‌گذره از وقتی که به خدای حقیقی ایمان آوردم و مسیر زندگیم به یکباره عوض و روش زندگیم دگرگون شد.

من خیلی خوشحالم که امروز یک بار دیگه این رو به یاد آوردم و با خوانندگان مجله به اشتراک گذاشتم.

حقیقتا پذیرش مسیح و تولد خدای قادر در جسم انسانی برای نقشه خودش برای برداشتن گناهان ما این

آزادی و خوشبختی رو در یک قدمی ما قرار داده تا یک تولد جدید را در هر سنی تجربه کنیم. کریسمس تولد عیسی مسیح و فرصت تولد مجدد برای انسانهارو به همه جهانیان تبریک میگم.

خواهر المیرای عزیز تولد مسیح چه تأثیری در زندگی شما داشته؟

شالوم بر شما و شکر برای این خدمت مبارک که با سوالهاتون ما را به چالش می‌کشید و مثل زنگ بیداری ما را به تفکر وامی‌دارید چقدر بیان این شهادتها ارزشمند هست چرا که کار خدا را نمایان می‌کند.

زمانی که در اسلام بودم همیشه برایم تاریخ میلادی جذاب بود و فکر می‌کردم چرا این تاریخ مهم است و آنقدر همه تقویم‌ها به آن مربوط می‌شود چقدر تولد مسیح ارزشمند بوده که قبل میلاد و پس از میلاد داریم تا اینکه داستان تاریخی خودم رقم خورد و این موضوع وارد زندگی من هم شد تاریخ زندگی و داستان زندگی المیرا قبل میلاد مسیح و بعد میلاد مسیح...

یکم شاید عجیب بوده اما حقیقتا عیسی مسیح با ورودش به زندگی من همین کار را کرد و دوره زندگیم را به دو قسمت متفاوت تبدیل کرد. مثل زمانی که تاریک هست و تولد نور روشنایی را می‌آورد.

تاریکترین قسمتهای زندگیم روشن شد و این چیزی نیست که بتونم ساده ازش عبور کنم و بی تفاوت باشم چنان خلقت تازه‌ای در من آمد که خودم هم نمی‌تونستم باور کنم چند نمونه از آنها را با شما در میان می‌گذارم باشه که خوانندگان عزیز تشویق شوند تا آنها هم این نور را وارد زندگیايشان کنند و شاهد دگرگونی باشند.

با اینکه در ده سی زندگی بودم تولد مسیح در من یک تولد تازه ایجاد کرد گویی فرصت زندگی دوباره داشتم، انگار دوباره میتونستم بسازم و بدون در نظر گرفتن تلخیاها وابستگیها و ترسها به پیش برم. قبل از میلاد مسیح در زندگیم من وابسته به سیگار بودم و از هر راهی برای ترک آن قدم برمی‌داشتم اما تا یک مشکل پیش میومد به خودم حق می‌دادم که این عادت را تکرار کنم و با خودم



کلی حرف می‌زدم تا قانع بشم و از سیگار لذت ببرم اما خداوند شادی‌ای به من داد که دلم نمی‌خواست و قسم را با بھونه‌ها سپری کنم و تصمیم من اینبار تا به امروز ادامه داشته و هیچ وقت دیگه سمت سیگار نرفتم انگار که آن را از وجود من پاک کرد. بله من ارزش بدن و سلامت آن را متوجه شدم که خدا برای حیات ما جان داد من با بی‌ارزش دیدن و صدمه به بدنم واقعه صلیب را انگار انکار می‌کنم و این شد تصمیم قاطع من وقتی خدا حیات را برای من می‌خواهد و در این بدن به خاطر خون مسیح ساکن می‌شود من که باشم که به بدن او آسیب برسانم و مانع این حیات شوم تصمیم گرفتم در همه موارد با مسیح متحد و همکار باشم نه بر ضد عملکرد او قدم بردارم پس همزمان با ترک سیگار عادت لجبازی و در پی نفسم زندگی کردن را هم ترک کردم. و هر روز محبت و صبر و اطاعت را تمرین کردم.

قبل میلاد مسیح زندگیم و رابطه با همسرم بسیار پیچیده شده بود و با تمام عشق و ایستادگی‌ها ازدواج مثل یک بار بر دوشهایمان سنگینی می‌کرد سالها وقت گذاشته بودیم تا یکدیگر رو عوض کنیم دریغ از قدمی رو به جلو رابطه‌مان هر روز فرسوده می‌شد و به جدیت میگم که اگر مسیح وارد نمی‌شد این زندگی دوام نداشت اما با ورودش هر کدام از ما را مجاب به توبه و شناخت ارزشهای درست در زندگی کرد با شناخت و اهمیت ارزش خودمان اینبار نه با غرور بلکه با فروتنی و عشق همدیگر را پذیرفتیم و به هم برای شناخت و قدم در این راه تازه کمک کردیم به یکدیگر فرصت دادیم همانطور که خدا به ما فرصت داد و گویی در نقطه عشق عیسی به هم رسیدیم.

صحبت را کوتاه می‌کنم حرف بسیار هست اما همه خوانندگان را دعوت می‌کنم که ببینند و ببیند که تولد مسیح نه تنها دو هزار و چندی سال پیش بلکه امروز هم تاریخ زندگی ما را به دو بخش تبدیل می‌کند تاریکی و نور، تاریکی پر از درد و زخم و تصمیمهای اشتباه هست چون هیچ چیزی را درست تشخیص نمی‌دهی اما نور زندگیمان را روشن می‌کند و در این روشنی تمام ضعف‌های ما برایمان آشکار می‌شود و راه حل عبور از آن را هم می‌توانیم بیابیم. پیروز باشید ممنون

از طرف ماهنامه اسمیرنا کریسمس را یکبار دیگر به همه شما تبریک می‌گوییم. این بود تغییر تعداد انگشت شماری از افرادی که در مقطعی از زمان دل و قلب و جان خود را تسلیم مسیح کردند و او اینگونه زندگی آنها را تبدیل کرد. اگر شما هم مشتاق شناخت این خدای زنده شده‌اید تیم اسمیرنا در پاسخگویی و راهنمایی به شما عزیزان آماده می‌باشد از طریق راههای ارتباطی در انتهای مجله می‌توانید با ما در تماس باشید. منتظر شما عزیزان هستیم. آمین در مقابل خداوند دلی گوشتین و گوشی شنوا داشته باشید تا جان شما نیز از این تبدیل سیراب شود. در دستان محافظ آن قادر مطلق.





این ترکیب هنری به ما می آموزاند که همچون شبانان به سمت نور حقیقی قدم برداریم و خداوند خدای خودمان را با تمامی دل و قلب و فکر و جان بپرستیم و محبت کنیم.

امروز به این بیندیشیم چطور ما همچون این شبانان به این نور در زندگی مان خوش آمد می گوئیم و حرمت می نهمیم؟



از زندگی و تولدی تازه برخوردار شویم. کلام خداوند به ما یادآور می شود که اگر کسی به او ایمان آورد درون او چشمه های آب روان جاری خواهد شد و این آب روان می تواند زندگی تو، قلب و فکر تو را حیاتی تازه ببخشد. آیا می خواهی تجربه حیاتی تازه در او را داشته باشی؟

ستایش عیسی

در این اثر زیبا که بر اساس انجیل لوقا باب دو در ابعاد کوچک ۹۱ در ۱۱۰ سانتی متر در سال ۱۵۰۰ توسط جورجینه نقاش ایتالیایی خلق شده، نخستین کسانی را نشان می دهد که به دیدار عیسی مولود یافته آمدند. فرشته خداوند با این پیغام به آنها خبر خوش تولد مسیح را می دهد: اینک برای شما نجات دهنده ای در شهر داوود به دنیا آمده است که او مسیح خداوند می باشد. حلقه چهارگانه بر دور مسیح این حس را در بیننده تقویت می کند که تولد او پایه گذار دایره ای جدید از جامعه است. همچنین زانو زدن و نوع خم شدن آنها نیز تصویری از احترام و حرمت گذاشتن به خداوند می باشد. جورجینه در سمت چپ تصویر توجه ما را به آبادی ها و سرسبزی های این دنیا جلب می کند درحالی که در سمت چپ تصویر مسیح در آخری در این دنیای تاریک به میان ما آمد تا به واسطه ایمان آوردن به او دیگر ما در این تاریکی ها نمانیم چرا که حضور او هر تاریکی را می شکافد. زندگی بدون مسیح هیچ ریشه ای ندارد اما اگر در مسیح باشیم و بمانیم حقیقتا او بیابانها را به بوستان و بوستانها را به جنگل برای ما بدل خواهد کرد.

سامری نیکو

این اثر تاثیرگذار صحنه ای را از انجیل لوقا باب ده توسط اوژن دلاکروا نقاش و طرح فرانسوی به تصویر می کشد که مردی زخمی برهنه و نیمه جان در کنار راهی افتاده است... همانند تصویر هر کدام از ما که امروز خسته و تنها، ناامید و زخمی در انتظار سوسوی نور و امیدی هستیم... اما طبق انجیل لوقا باب ده این مرد زخمی را نه کاهن مرهم گذاشت و نه لاوی؛ تنها یک فرد یعنی سامری نیکو بود که زخم او را مرهم گذاشته تسلی داد و به کاروانسرای جهت استراحت برد و از او پرستاری کرد. این تابلو تامل برانگیز نشانه این است که شاه شاهان عیسی مسیح مولود گشته، به میان ما آمد تا زخم هایمان را مرهم گذارد و ما را تسلی دهد و به جانهای خسته و ناامیدمان تازگی و امیدی دوباره بخشد.

امروز اگر شرایط این دنیا همچون این مرد زخمی تو را به جایی رسانده که رمقی درون خودت نمی بینی و برای ادامه زندگی هیچ شوق و هیجانی نداری به یاد آور که عیسی در چنین ایامی به میان ما آمد تا امروز بتوانیم به واسطه ایمان به او



درود به شما همراهان گرامی ایام کریسمس و تولد عمانوئیل بر شما مبارک باد. در این شماره بر آن شدیم تا با فرا رسیدن جشن میلاد خداوندمان به تماشا و تامل تابلوهایی بنشینیم که با الهام از این مهم خلق شدند و به تصویر کشیده شدند. دعای ما امروز برای شما خوانندگان عزیز این است که حقیقتا نقشه نجات خداوند را عمیقتر درک کرده و مکاشفه ای بس عظیم از تصویر عشق او دریافت کنید.

ختنه نوزاد



مسیح را فرستاد تا گناه و شرم های ما را بر خود گیرد، و با ایمان آوردن به عیسی خدا دیگر از ما شرمی نخواهد داشت.

این اثر را نقاش و حکاک ایتالیایی آندریا مانتگنا در ابعاد کوچک ۴۲ در ۸۶ سانتی متر بر اساس انجیل لوقا باب ۲ به تصویر کشید. ختنه نماد عهدی است که خداوند با قوم خود یعنی قوم اسرائیل بسته بود این صحنه نشان می دهد که عیسی نه تنها شریعت را کامل کرد بلکه آنانی را که زیر شریعت به دنیا آمدند را آزاد ساخت و بازخرید کرد. از ویژگی های آثار مانتگنا می توان به رنگ های روشن، چشم انداز خطی قوی و خطوط تیز اشاره کرد. موضوع اصلی کارهای او بیشتر کلاسیک یا مربوط به خداشناسی می باشد.

در تصویر شمعون را که با ردایی آبی رنگ، که نشانه کاهنی و کهنات او می باشد و طبق کلام خداوند که به او گفته شده بود تا مسیح خداوند را نبیند نخواهد مرد، می بینیم. او با پای برهنه در حضور عیسی در معبد ایستاده و انگار کاملاً درک کرده است که آن مکان مقدس می باشد، در نگاه اول شکوه و عظمت معبد را می بینیم که با تابلوها و نقاشی های دیواری توجه ما را به خود جذب می کند، ستونی که تصویر را از وسط نصف کرده است در سمت راست عدالت خدا و در سمت چپ محبت خدا را نشان می دهد. چرا که در یک سمت شریعت خدا، ده فرمان را که توسط موسی به قوم داده شد را می بینیم، زمانی که شریعت آمد انسان فهمید که گناهکار است و مجازات گناه مرگ، که باید قربانی ای برایش داده شود و در تابلوی دیگر قربانی کردن اسحاق توسط ابراهیم را می بینیم، اما در حقیقت، خداوند از روی محبت خودش بره ای فرستاد تا به جای اسحاق قربانی شود و امروز این بره برای ما عیسی مسیح می باشد. بره بی عیب خدا که گناه از جهان برمی دارد. شاید پوشیدن لباسهای زیاد در افراد سبیل این هست که آنها دارای شرم و خجالت می باشند، درست مانند آدم و حوا که وقتی فهمیدند در حضور خدا گناه کرده اند احساس شرم کرده و خود را پوشاندند، اما خداوند عیسی



بررسی سریال

سونگ گی هون در نقش اصلی سریال تنها کسی است که برای بار دوم وارد بازی مرکب می‌شود تا شاید با از بین بردن مشا این بازی باعث نجات جانها گردد. اما طمع و خودخواهی شرکت کنندگان و قدرت گسترده شده بازی مرکب بیشتر از توان سونگ است. او تمام تجربیات و ثروت بدست آمده از بازی مرکب اول را در راه نجات جانها می‌گذارد اما این تجربه و ثروت، در مقابل برنامه ریخته شده شریر قدرتی ندارد.

در پایان فصل سوم سونگ با قربانی کردن خود، سعی می‌کند تا نسل بعد (نوزاد متولد شده) را نجات دهد اما بزودی بیننده درمیابد که این بازی مرکب در جهان گسترده شده است.

در این دنیای سقوط کرده و برنامه‌ریزی شده توسط شریر هر روز شاهد بی‌مهری‌ها و خیانت‌ها و افزایش خودخواهی‌های افراد و ملل و دولت‌ها هستیم و حرمت‌ها و ارزش‌ها هر روز بیشتر از پیش به قعر این تاریکی و هلاکت فرو می‌روند و طمع و خودبینی جهان ما را بلعیده است. اما خدا برای این مسیر راهی و دری رو به حیات برایمان گشوده است. کریسمس، تولد منجی آسمانی دعوتی است برای زندگی در نور و روشنایی او و عبور از دره و وادی تاریکی. چنانکه در انجیل یوحنا باب سوم می‌خوانیم: «و خدا آنقدر جهانیان را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه در حیات جاویدان زیست کند.»

کریسمس یادآور، تحقق یافتن این وعده است. چرا که مسیر و روش زندگی، ما را در نور خود روشنایی می‌بخشد تا در طی این سفر زندگی با او راه رویم. حفاظت و امنیت و اعتماد را در زیر محبت او بیاموزیم.



بازی مرکب

در قسمت اول از بررسی این سریال به کلیاتی خواهیم پرداخت که در تماشای سریال و گفتگوها شما را یاری دهد و در ادامه بررسی در شماره‌های آینده مجله به جزییات بیشتری اشاره خواهیم کرد. بازی مرکب نمادی از زندگی در دنیای سقوط کرده و حاکمیت شریر است.

افرادی که با اشتباهات و روش زندگیشان به دام بدهکاری افتاده‌اند و حال شریر در کمین است تا هرکدام از آنها را بلعد. او دری برای نجات آنها به ظاهر گشوده است و راهی مهیا ساخته است اما این راه به هلاکت و مرگ و این درب رو به تاریکی باز خواهد شد. (متی باب ۷ آیات ۱۳ و ۱۴)

با وارد شدن به این بازی با وجود دیدن مرگ و تاریکی هر روزه، طمع‌تر و با انگیزه‌های ولع‌آمیز بیشتری ادامه خواهیم داد.

در بازی مرکب شرکت کنندگان که نقش قربانی را دارند رفته‌رفته به درندگان برعلیه هم تبدیل می‌شوند و می‌کوشند تا با حذف یکدیگر، سود و بهره‌ای بیشتر ببرند و نجات یابند. این بازی به کشتن دختران و ضعیف‌ترها و حتی تا به فکر کشتن بچه نوزاد هم به پیش می‌رود. بچه‌ای که نماد و

سمبل نسل آینده است. این بازی تفکرات و خواسته‌ها را در مسیر خودخواهی قرار می‌دهد تا به حدی که دیگر نه تنها به فکر دیگران و اطرافیان نیستیم بلکه نسل بعد را نیز قربانی خواسته‌های امروز و طمع‌هایمان کرده‌ایم.

(قسمت اول)

بازی مرکب



خلاصه سریال

گروهی متشکل از افراد بدهکار و ناامید به امید جایزه ۴۴۵ میلیون وونی (۳۳)، وارد بازی‌ای می‌شوند تا با برنده شدن در این بازی، زندگی‌های خود را نجات دهند و متحول گردانند. اما این بازی‌های کودکانه عواقبی دردناک و هولناک را در پی خواهد داشت.

در هر بازی تعدادی کشته می‌شوند و باقیمانده، سهم بیشتری از جایزه را برای خود خواهند داشت. اما این بازی تا به مرگ همگی به جز یک نفر ادامه خواهد یافت.

سینمای جهان

سینمای جهان

شناسنامه سریال

بازی مرکب؛ سریال جنجالی و پر مخاطب، محصول کره جنوبی است که هوانگدونگ هیوک در مقام کارگردان و نویسنده این اثر را بجا گذاشته است. هیوک این فیلمنامه را در اوج فقر خود نوشت و تهیه کننده‌ای جهت تولید آن نیافت تا اینکه نفیلکس آن را به عنوان پروژه‌ای برای شبکه خود پذیرفت و هیوک را در به ثمر رسیدن آن حمایت کرد. عنوان سریال گرفته شده از بازی کره‌ای شناخته شده‌ایست که با بازی‌های درخشان و جلوه‌های ویژه و فیلمبرداری خود توانست سه فصل کامل بیننده خود را مجذوب سریال نگه دارد.



بازی مرکب

نگاهی به سینمای



خلاصه فیلم

«سارا» (با بازی سمیرا حسن پور) قرار است ساعت شش صبح برای ادامه تحصیل به کانادا مهاجرت کند. اما تماسی تلفنی از طرف «فریبا» (با بازی مونا فرجاد)، دوست صمیمی اش، همه چیز را تغییر می دهد. فریبا او را به مهمانی ای با جمعی از دوستان دعوت می کند و ورود سارا به این جمع، سرنوشتی متفاوت و غیرمنتظره را برای او و خانواده اش رقم می زند.

شناسنامه فیلم

فیلم ساعت شش صبح یکی دیگر از آثار قابل توجه مهرا مدیری، کارگردان، بازیگر و مجری توانای سینما و تلویزیون ایران است. مدیری که پیشینه ای درخشان در ساخت سریال ها، فیلم ها، برنامه های تلویزیونی و مسابقات دارد، همواره به خاطر خلاقیت و نگاه متفکرانه اش به جامعه شناخته می شود. تهیه کنندگی این اثر را علی اوجی برعهده دارد که در کنار بازی های قابل توجه بازیگران و فیلمنامه ای پرمحتوا، فیلمی تأمل برانگیز و عمیق خلق کرده اند.



بررسی فیلم

فیلم ساعت شش صبح از همان ابتدا نویدبخش آغاز روزی تازه و امیدی به سحر است. اما در بطن این امید، با چالش ها و تاریکی هایی مواجه می شویم که آن را کم رنگ می کنند. فیلم با نمایی از شهری تاریک آغاز می شود؛ چراغ هایی که در دل تاریکی سوسو می زنند، چراغ های قرمزی که چشمک زنان هشدار می دهند، و دختری با دود سیگار که نشان از غم، گم گشتگی، و بلاتکلیفی دارد. در این میان، آغوش مادری هست که نمی داند باید دخترش را تشویق به رفتن کند یا ماندن - نمادی از تردید میان چراغ قرمز و سبز. مضمون اصلی فیلم، تعلیق بین باید ها و نبایدها است. انتخاب هایی که با رنگ های راهنمایی رانندگی به تصویر کشیده شده اند:

- دیوارهای خانه ها با رنگ های سبز و قرمز
- لیوان های زرد، سبز و قرمز روی میز
- سطل های قرمز و پرده های سبز رنگ در حمام
- لباس های میهمانان با ترکیب های سبز و زرد و قرمز
- کتابخانه ای با کتاب های قرمز و سبز
- چراغ های چشمک زن پلیس که بر روی لباس های سبز جوانان تضاد فکری را در سکانس پایانی نشان می دهد

این استفاده نمادین از رنگ های چراغ راهنمایی، نشان می دهد که مرز بین خوب و بد، مجاز و غیرمجاز، روشن و تاریک، گاهی چنان کمرنگ می شود که انتخاب درست دشوار است. همانطور چرا که تاریکی شهر و زندگی ما را فرا گرفته است. همانطور که مادر سارا، برادر او، و حتی بازپرس پرونده نیز نظراتی متفاوت دارند: آیا باید رفت یا ماند؟

فیلم به شکلی عمیق به سردرگمی نسل جوان اشاره دارد: آن ها نمی دانند کدام چراغ ها را باید جدی بگیرند و ملاک تشخیص درست و نادرست آنها و جامعه ایشان چیست. فیلم با این سؤال بنیادین ما را تنها نمی گذارد؛ بلکه ما را به تأمل دعوت می کند:

امروز ما با چه چراغ هایی زندگی می کنیم؟ و مرجع تصمیم گیری های ما کجاست؟

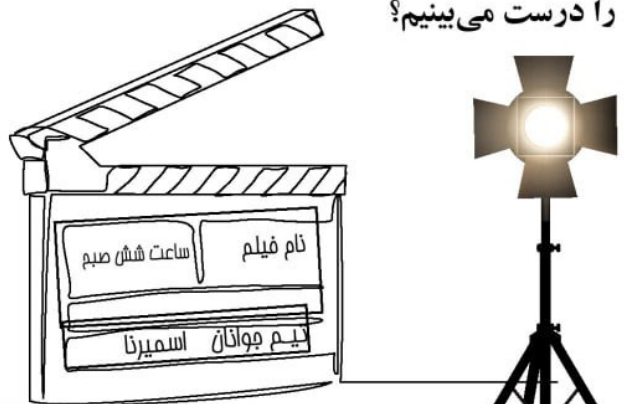
در نهایت، فیلم ما را به یاد این حقیقت الهی می اندازد: کلام خدا چراغی برای پای ماست.

این چراغ ما را از تاریکی و ترس نجات می دهد و راه را با نور، اعتماد و اطمینان روشن می سازد، تا با قدرت به سوی هدف خود بدویم.

پیشنهاد اسمیرنا

تماشای این فیلم را با جوانان و خانواده ها پیشنهاد می کنیم. گفتگویی در مورد مفهوم چراغ های قرمز، سبز و زرد در زندگی، و مرجع تصمیم گیری های ما، می تواند فرصتی برای رشد فکری و روحی باشد. سؤال اصلی ما این است:

مبنای تشخیص ما در زندگی چیست؟ آیا چراغ ها را درست می بینیم؟





میلاد خداوند و نجات دهنده مان عیسی مسیح بر یکایک شما فرزندان نور مبارک باد. چقدر زیباست که در این روزهایی که یادآور کریسمس و پیام عشق و محبت خداوند ماست، می توانیم با یادآوری و خواندن کتابهایی که به قلم شاگردان او نوشته شده است، در پیام نجات بخش منجی مان عمیقتر شویم. در این شماره منتخبی از کتابهایی که توسط سازمان خدماتی اسمیرنا ترجمه و منتشر شده را با شما به اشتراک می گذاریم و همینطور می توانید کتابهایی را که در خصوص کودکان و نوجوانان است از طریق راههای ارتباطی دریافت کنید. شکر برای کارهای عظیم خداوند که در این مسیر ما را قوت بخشید و فیض همکاری با خود را به ما سپرد.

مجموعه کتابهای جاش مکداول

جاش مکداول انجیل را با بیش از ۴۵ میلیون نفر در سرتاسر دنیا به اشتراک گذاشته است و یکی از شخصیت های برجسته و پیشرو در جنبش **CHRISTIAN APOLOGETICS** است. او همچنین نویسنده و مولف مشترک بیش از ۱۵۰ کتاب، از جمله کتاب «۷۷ سوال متداول درباره خدا و کتاب مقدس»، «آزاد برای شکوفایی» می باشد که برای دریافت آنها می توانید از طریق راههای ارتباطی درخواست خود را با ما در میان بگذارید.



بیش از یک نبار

شاهد

۷۷ سوال متداول درباره خدا و کتاب مقدس

آزاد برای شکوفایی

۱۲ حقیقت مهم ایمان مسیحی

صرفا دانستن این که به چه چیزی ایمان داریم و چرا به آن ایمان داریم به خودی خود کافی نیست حقیقتی که ما به آن ایمان داریم باید به هسته اصلی وجود ما تبدیل شود؛ پذیرش ایمان مسیحی شامل نمایش زنده ای از حقیقت بودن است ما باید اجازه دهیم تا حقیقت خداوند آنقدر در ما نفوذ کند تا زندگی مان را دگرگون سازد و الگویی برای دیگران باشد.

در این کتاب مدافعان مشهور ایمان، جاش و شان مکداول به روشی جذاب و شفاف اصول اساسی ایمان زنده مسیحی را بیان می کنند و کمک می کنند تا: درکی عمیقتر از آنچه به آن ایمان داریم را پیدا کرده و رابطه درست با خدا، خود و دیگران را زندگی کنیم و بنیان دگرگون کننده ایمان را در نسل های آینده ایجاد کنیم.

شواهدی برای مسیح

پاسخ هایی ماندگار به پرسش هایی دشوار! آیا شواهدی وجود دارد که عیسی واقعا وجود داشته؟ چرا رستاخیز او اهمیت دارد؟ چه چیزی او را از دیگر شخصیت های دینی متمایز می کند. شواهدی برای عیسی به ایمانداران تازه و همچنین مسیحیان قدیمی کمک می کند تا بتوانند با پاسخ هایی استوار از ایمان خود در برابر سخت ترین منتقدان دفاع کنند.



نام کتاب: زن استخوانی از استخوانم و گوشتی از گوشتم

نویسنده: امید سبویکی

نویسنده خواننده را به سفری می برد که در آن زندگی زنان کتاب مقدس را با حال و هوایی امروزی تجربه کنند و مسیر کلام خدا را در اشتباهاتشان ببینند. نگاه ما و جامعه به زن چطور است؟ و حتی نگاه زنان به خودشان؟ و در مقابل اینها، خداوند زن را چگونه می بیند؟ این کتاب هویت گمشده زن را یادآور می شود. اگر فکر می کنید زخمی هستید و وجودتان همچون جامی شکسته شده است، این کتاب ارزش فرزند خدا بودن را به شما یادآور می شود و برای شروع و هویتی تازه کمکتان می کند. آری خداوند همیشه پشت در قلب ماست تا با ما ملاقات کند... پاسخ ما چیست؟

مجموعه کتابهای باب تیدی

باب تیدی به مدت ۵۲ سال کارمند (کرو) بوده و در حال حاضر در رهبرسازی ایالت متحده خدمت می کند. باب در مجموعه کتاب هایش به اهمیت پرسش سوال پرداخته و به ما کمک می کند تا در برخورد با دیگران نظرات آنها را نیز پرسیده و با سوال کردن مشارکت را به سطحی عمیق تر وارد کنیم و همچنین رهبری موثرتری داشته باشیم.

۳۳۲ سوالی که عیسی می پرسد

رهبران بزرگ سوال می پرسند

اکنون این شد یک سوال عالی

۲۶۳ سوال که پولس، رسول عیسی مسیح می پرسد



اسکن کنید

قلب ما امروز پر از شغف و شکرگزاری است برای تمام این کتابهایی که خداوند فرصت داد تا از طریق کلیسای اسمیرنا برای شما عزیزان مهیا شود.

مسیح به این جهان در میان ما آمد تا ما را از دنیای تاریکی و اسارت بیرون کشد و به نور خود هدایت کند؛ اسمیرنا نیز از طریق روش های گوناگون سالها در تلاش است تا نور او را به زندگی ها بتاباند و خبر خوش مسیح را پخش کند.

یکی دیگر از خدمت های ما که مشتاق هستیم تا در چنین روز فرخنده ای در جشن میلاد او بدهیم این است که اگر شما نمی توانید به نسخه های چاپی دسترسی پیدا کنید، کافیت از طریق اسکن QR کد مستقیما به بخش پادکست ها در پیج یوتیوب ما وارد شده و به صورت صوتی این کتاب ها را که برای شما مهیا شده بشنوید و لذت ببرید؛ حتی اگر علاقه دارید که علاوه بر گوش دادن همزمان پی دی اف کتاب را نیز خودتان دنبال کنید می توانید در کالج اسمیرنا ثبت نام خود را آغاز کنید تا علاوه بر شرکت در دوره های تعلیمی، به وبلاگ ما برای دسترسی به پی دی اف ها مراجعه کنید.





بویا خیلی زود روزهای یکشنبه آموزش به کودکان را در کلیسا آغاز کرد، و در سال ۲۰۱۹ در یک برنامه آموزشی تحت حمایت سازمان خدماتی ندای شهدا ثبت نام و شرکت کرد که این سازمان خدماتی لوازم و منابع شاگردسازی را برای کمک به او در رهبری مؤثرتر فرزندان فراهم می کرد. پس از اتمام آموزش در آن دوره، او به کلیسای خود بازگشت تا آنچه را که در این برنامه آموخته بود، به کار گیرد. حدود یک سال بعد، پلیس به سراغش آمد.

آن روز، وقتی بویا و کودکان از درس یکشنبه صبح لذت می بردند، سه مأمور پلیس سر رسیدند و شروع به پرسش کردند. آن ها می خواستند بدانند که چرا در حال آموزش کودکان است و منابع آموزشی اش را از کجا تهیه کرده. بالحنی تهدیدآمیز پرسیدند: «می دونی که آموزش این کودکان خلاف قانونه؟»

بویا ترسان و لرزان، شروع به دعا کرد: «ای خداوند، لطفاً کمکم کن. در این وضعیت به من حکمت عطا کن. حکمت برای پاسخ به هر پرسشی که از من می پرسند.»

او به نرمی و مودبانه به پرسش های اولیه پاسخ داد و سپس پلیس او را برای بازجویی بیشتر به ایستگاه محلی برد.

پرسش ها را تکرار کردند—منابع آموزشی از کجا آمده و چه کسی پول می دهد تا او آموزش دهد؟ بویا صادقانه تأکید کرد که داوطلبانه تدریس می کند. وقتی درباره ایمان مسیحی اش پرسیدند، با شهادت انجیل را با ایشان در میان گذاشت. آنها پرسیدند: «از کجا مطمئنی خدایی که به او ایمان داری، خالق همه چیزه؟»

او پاسخ داد: «با تمام وجود باور دارم که خدا خالق همه چیزه، چون مرا آفریده. در کتاب مقدس این را به روشنی گفته. کتاب مقدس اعلام می کند که خدا آسمان و زمین و هر آنچه در آن است را آفرید. هر آنچه چشم می بیند و نمی بیند، همه را او خلق کرده.»

پلیس سوال دیگری نپرسید و منابع آموزشی بویا را توقیف کرد. او از فرصت استفاده کرد و آنان را ترغیب کرد تا منابع را خودشان مطالعه کنند، به این امید که ایمان به مسیح در دلشان شکوفا شود.

آموزش غیرقانونی انجیل

صبح یکشنبه ای در فوریه ۲۰۲۰، وقتی بویا، دختر هجده ساله، گروهی از کودکان را در بازی و شنیدن داستانی از کتاب مقدس هدایت می کرد، ناگهان کلاشش با ورود پلیس مختل شد.

او گفت: «بچه ها شوکه و ترسیده بودند. خودم هم ترسیده بودم، چون تا آن زمان هیچ گاه چنین چیزی اتفاق نیوفتاده بود.»

اگرچه بویا پیش تر با پلیس مشکلی نداشت، اما می دانست که مسیحیان در لائوس گاهی با آزار و اذیت روبه رو می شوند، چرا که حکومت کمونیستی این کشور تلاش می کند فعالیت های مسیحی خارج از کلیساهای رسمی و مورد تأیید دولت را کنترل کند.

او افزود: «در گذشته شنیده بودم که بعضی از افراد به خاطر ایمان مسیحی شان تحت آزار قرار گرفته اند. حتی وقتی پدر و مادرم برای نخستین بار مسیح را پذیرفتند، خیلی ترسناک بود. فکر نمی کردم برای خودم چنین اتفاقی بیفتد، اما ته ذهنم همیشه این را می دانستم که پیروان مسیح ممکن است جفا ببینند.»

بویا در دوران رشد، دیدگاه های متناقضی درباره مسیحیان شنیده بود. برخی آنان را مردمانی درستکار، بی دروغ و بی فریب می دانستند، اما دیگران ادعا می کردند که مسیحیان معتاد و فاسد هستند. حتی بعد از اینکه پدر و مادرش مسیحی شدند، بویا علاقه ای به شناخت مسیحیت نداشت—تا آنکه یکی از دوستانش حقایق از کتاب مقدس را با او در میان گذاشت.

بویا می گوید: «دوستم به من گفت که خدا خوب است و او کسی است که مرا آفریده. با خودم فکر کردم: "آیا ممکنه؟ آیا واقعیه؟"»

در پانزده سالگی با دوستش رفتن به کلیسا را آغاز کرد. وقتی دید که مسیحیان با شادی خدا را می پرستند، سرود می خوانند و کتاب مقدس را مطالعه می کنند، در دلش اشتیاقی برای شناخت خدایی که ایشان پیروی می کنند پدید آمد و پس از ایمان آوردن به مسیح، بلافاصله در جست و جوی راهی برای خدمت در کلیسا بود.

گفت: «دلیم می خواست به خداوند خدمت کنم. خدمتی که دلیم را لمس می کرد. می خواستم رشد روحانی بچه های کلیسا را ببینم، تا آن ها نیز راه خدا را پیروی کنند.»



کلیسا در جفا

آموزش غیرقانونی انجیل



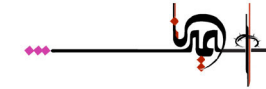


برگرفته شده از مجله
ندای شهدا

بوفای می‌داند که ممکن است در آینده دوباره با جفا روبرو شود. «آماده و پذیرا هستیم اگر باز هم جفا بیاید. این تجربه به من آموخت که به ایمان خود در خداوند وفادار بمانم، و بدانم که او همیشه با من است. عیسی برای من همه کار کرد—او بی‌گناه بود اما برای من بر صلیب جان داد. هرگز از او روی‌گردان نخواهم شد. خداوند هرگز مرا تنها نمی‌گذارد. دلم می‌خواهد تا جایی که می‌توانم به او خدمت کنم.»

او امیدوار است پس از فارغ‌التحصیلی شغلی پیدا کند که بتواند از خانواده‌اش حمایت کرده و همچنان در کلیسا خدمت کند. بوفآ آرزو دارد که داستان زندگی‌اش برای دیگرانی که در شرایط سختی هستند، قوت قلبی باشد.

او می‌گوید: «وقتی با جفا یا مشکلات زیادی در زندگی روبرو می‌شویم، امید خود را از دست ندهیم و دلسرد نشویم. بر مسیح توکل کنیم و بدانیم که او همیشه کنار ماست و ما را ترک نخواهد کرد. خدا همیشه با ماست.»



استوارتر به خداوند بچسبم. پلیس تهدید کرد اگر به تدریس ادامه دهم، بازداشت می‌شوم و به جایی نامعلوم منتقل می‌شوم. اما حاضرم بازداشت شوم، چون وظیفه من است که به کودکان کلیسا تعلیم بدهم.»

امروز، بوفآ همچنان در کلیسا خدمت می‌کند، در پرستش رهبری می‌کند و کلاس‌های کتاب مقدسی برای نوجوانان برگزار می‌کند. همزمان، به‌صورت پاره‌وقت کار می‌کند و تحصیلات حسابداری خود را نیز ادامه می‌دهد. با آنکه همسالانش او را قضاوت و تمسخر می‌کنند، در پیروی از مسیح شرمند نیست. او می‌گوید: «تحقیر شدن به‌خاطر عیسی چیز خوبی است. کل مدرسه مرا مسخره می‌کردند، اما خجالت نکشیدم و این اتفاق مرا قوی‌تر کرد.»

وقتی پلیس‌ها از او خواستند تا قول بدهد دیگر از این منابع تدریس نکند، پاسخ داد: «شما که همه منابع را برداشته‌اید، دیگر دلیلی برای قول دادن نمی‌ماند که تدریس خواهم کرد یا نه.»

با این پاسخ، پلیس‌ها با اطمینان از اینکه بدون منابعش قادر به ادامه تدریس نخواهد بود، رهایش کردند.

خوار شمرده شدن به‌خاطر مسیح

بوفآ با عزمی راسخ‌تر برای آموزش کودکان بازگشت. او گفت: «بعد از بازجویی، ایمانم قوی‌تر شد. باعث شد که



سبک زندگی

زندگی سالم



هدیه یا کادو، ارمغان، تحفه، پیشکش، اینها اسم‌های هم معنایی هستند که ما برای آن چیزی که با قلب خود و شادی درونی‌مان، با مهربانی و بخشندگی به دیگران تقدیم کنیم. هدیه معمولاً به منظور خوشحال کردن، گرامیداشت و قدردانی، در مناسبت‌هایی همچون تولد و سالگرد ازدواج و یا جشن‌های کریسمس، ولنتاین و نوروز به دیگران اهدا می‌شود. هدیه را بدون هیچ چشم داشتی و طبق کلام خدا که می‌گوید دادن از گرفتن فرخنده‌تر است، به عزیزانمان تقدیم می‌کنیم.

فرهنگ زیبای هدیه دادن در تمامی دنیا و میان مردمان مختلف بسیار مرسوم است و به رسم دوستی و رفاقت، با محبت و احترام فراوان انجام می‌شود و نشان از لطف و شفقت قلبی است که خود لبریز از داشته‌های معنوی

است. هدیه دادن بخش مهمی از تعاملات انسانی می‌باشد و تبادل هدیه برای ایجاد محبت و صمیمیت در روابط میان افراد یک خانواده، دوستان، همکاران، تیم‌های ورزشی و حتی در سطح بین‌المللی میان سران کشورهای مختلف صورت می‌گیرد. هدیه دادن و گرفتن، بر سلامت روح و روان افراد تاثیر مهمی می‌گذارد؛ همچنین سلامت روانی افراد، موجب سلامت جسمانی دوطرفه نیز می‌شود و موجب صمیمیت، دوستی و در نتیجه امنیت در روابط می‌گردد. اهدا کردن هدیه و یا دریافت آن باعث ترشح هورمون «سروتونین» در مغز افراد شده که تنظیم‌کننده حالات روحی است. جالب است بدانید که این ماده سیگنال‌ها را بین سلول‌های عصبی منتقل می‌کند و در خلق و خو، حافظه و توانایی افراد تاثیرگذار است. وقتی سطح سروتونین در بدن ایده‌آل باشد، فرد احساس شادی، تمرکز و آرامش خواهد کرد.

هدیه دادن به مراتب بیش از هدیه گرفتن شادی‌آور است و اگر در زندگی افراد به عادت تبدیل شود، باعث جلوگیری از افسردگی می‌شود؛ چون فرد هدیه دهنده توانسته است دیگری را شاد کند و آن شخص احساس با ارزش بودن می‌کند. همیشه شخص هدیه دهنده یا بخشنده نسبت به دریافت‌کننده یا گیرنده در انجام این عمل از مزیت‌های روانی مثبت بیشتری بهره‌مند می‌شود.

در هنگام دریافت و یا اهدای هدیه، زیباست که صمیمانه لبخند بر لب داشته باشیم، لبخندی با تواضع و فروتنی سرچشمه گرفته از قلبی که خداوند آن را روشن کرده است.

وقتی با احترام کادو را دریافت و یا تقدیم می‌کنیم، از واژه‌های متناسب با مناسبتی که آن هدیه برایش در نظر گرفته شده است، استفاده کنیم.



اگر چه گاهی هدیه مورد پسند یا سلیقه افراد نیست، اما باید این را در نظر داشته باشیم که ارزش هدیه به مبلغ و هزینه‌ای که برایش پرداخت شده نیست و این فرصتی است برای ابراز محبت و عشق به یکدیگر، تا افراد دیگر را مطابق آن چیزی که هستند و هویتی که دارند ارج بنهیم و ارزشمند بدانیم.

هدایایی که می‌دهیم با توجه به شرایط اقتصادی خریداری می‌کنیم. در برخی موارد، برای مناسبت‌های مختلف هدایا مادی هستند و گاهی معنوی که از نظر وقت و زمانی که به آن اختصاص می‌دهیم و از نظر روحی بسیار ارزشمند هستند. ما گاهی با یک کتاب، گلی خوشبو و زیبا، دست نوشته و متن زیبا، یک قطعه شعر یا دلنوشته و حتی یک پیام روحانی با مفهوم، کارت پستالی چشم‌نواز، نقاشی، کاردستی، بافتنی، صنایع‌دستی یا چیزهایی که خودمان آنها را طراحی می‌کنیم و یا می‌سازیم می‌توانیم دیگران را خوشحال کنیم؛ هدیه دادن زمانی به آسانی میسر می‌شود که هدیه را از دستان خداوند دریافت کرده باشیم و با توجه به فیضی که خدا به ما ارزانی داشت معنای فیض و هدیه بدون چشم داشت را به نسل آینده انتقال دهیم.

آنچه که هدیه را مؤثر می‌کند قلبی است که در پس آن هدیه عمل می‌کند. یادمان باشد، که اول خداوند مهربان ما را دوست داشت، آنقدر که با تمام عشق و قلبش یگانه فرزندش، عیسی مسیح را برای ما هدیه فرستاد، هدیه‌ای با ارزش و گرانبها که فقط به خاطر فیض خداوند و محبت عظیمش به ما داده شد و با ایمان به او نجات را دریافت کرده‌ایم.

این هدیه را که رایگان به دست آورده‌ایم رایگان بدهیم، یعنی مژده انجیل را به دیگران ببخشیم. در ایام فرخنده و زیبای کریسمس، بزرگ‌ترین جشن مسیحیان هستیم، بیایید وقتی درخت



کریسمس را تزئین می‌کنیم و هدایا را در زیر آن قرار می‌دهیم، دیگران را نیز به یاد داشته باشیم و آنها را تشویق کنیم تا با هدیه‌ای ارزشمند با تمام قلب خود، یادآور کارهای عظیم خداوند در زندگیمان باشیم و آن را با دیگران نیز به اشتراک بگذاریم.



می‌توانید این
نون خوش‌عطر و
بستنی رو با پنیر
گردو، مربا یا عسل
همراه خانواده
نونش بان کنید.

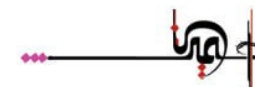
طرز تهیه:

با سر یک ماسوره گرد آغشته به آرد، به آرامی روی سطح خمیر طرح دایره‌ای بزنید. زرده تخم مرغ را برای رومال روی خمیر بمالید. در فر از قبل گرم‌شده با دمای ۱۸۰ درجه سانتی گراد، در طبقه وسط، به مدت ۲۰ تا ۲۵ دقیقه پزید.



آشپزی در مشارکت
تیم مشارکت و پذیرایی
اسمیرنا

مواد خشک (آرد، پودر زنجبیل، نمک، شکر، پودر خمیر مایه) را در یک کاسه بزرگ با هم مخلوط کنید. ماست را به مواد خشک اضافه و مخلوط کنید. یک عدد تخم مرغ کامل و فقط سفیده تخم مرغ دوم را به مواد اضافه کنید (زرده را برای رومال نگه دارید). آب ولرم را کم کم اضافه کنید و با دست ورز دهید تا خمیر جمع شود. اگر آرد زیادی مانده بود، کمی دیگر آب اضافه کنید. خمیر نباید شل باشد. کره نرم‌شده و روغن مایع را اضافه کنید و حدود ۱۰ دقیقه خوب ورز دهید تا خمیری یکدست، لطیف و کمی چسبنده به دست بیاید. اصلاً آرد اضافه نکنید. خمیر را ۱۰ بار روی سطح کار بکوبید تا بافت کشسان‌تری بگیرد. خمیر را در ظرف درب‌دار قرار دهید و بگذارید ۴۰ دقیقه در دمای محیط استراحت کند تا پف کند. بعد از استراحت، پف خمیر را بگیرید و آن را به ۸ قسمت مساوی تقسیم کنید. هر چانه را گرد کرده و با فاصله در سینی فر بچینید. هر چانه را کمی با دست پهن کنید.



با درود خدمت همه همراهان عزیز مجله فرهنگ و هنر مسیحی اسمیرنا، پیش از هر چیز، میلاد پر برکت منجی بشر، عیسی مسیح، را از صمیم قلب به شما تبریک می‌گوییم.

هر ساله در ایام کریسمس، تلاش کردیم با معرفی و به اشتراک گذاری یک شیرینی یا بیسکویت زنجبیلی، سفره‌های گرم و صمیمی شما را رنگین‌تر و شیرین‌تر کنیم. امسال نیز با افتخار، دستور یک نان سنتی و محبوب زنجبیلی تبریزی را تقدیم شما می‌کنیم، تا در کنار طعم بی‌نظیر آن، لحظاتی پر از شادی و آرامش را تجربه کنید. بیایید با هم به آشپزخانه کوچک اسمیرنا برویم و بی‌درنگ دست به کار شویم. باشد که در این ایام پرفیض، در کنار خانواده و در حضور خداوند، لحظه‌هایی عمیق و پُر معنا بسازید و یادمان نرود که مسیح فرمود: «من نان حیات هستم؛ هر که نزد من آید، هرگز گرسنه نخواهد شد.» (یوحنا ۶: ۳۵) باشد که با چشیدن این نان، درکی ژرف‌تر از حضور مسیح در زندگی‌مان داشته باشیم.



مواد لازم:

آرد سه صفر (مخصوص کیک و شیرینی) ۵۰۰ گرم (۴ لیوان فرانسوی دسته‌دار)
کره ۵۰ گرم (به دمای محیط رسیده)
شکر ۱ قاشق غذاخوری
پودر زنجبیل ۱ قاشق غذاخوری
نمک ۱/۲ قاشق غذاخوری
روغن مایع ۱ قاشق غذاخوری
تخم مرغ ۲ عدد (یکی کامل + سفیده یکی / زرده برای رومال)
ماست ۱۰۰ گرم (۱/۲ لیوان فرانسوی دسته‌دار)
پودر خمیر مایه فوری ۱ پاکت (۱ قاشق غذاخوری سر صاف)
آب ولرم به مقدار لازم (کم کم اضافه شود)

تاریخ سازان آسمانی

پدر

ایمان را
بیشو هنر نمی دانند
و حق می کنند

لیدی جین گری

قسمت پنجاه و پنجم

سلام و درود به همه خوانندگان و دنبال کنندگان تاریخ سازان آسمانی. در این شماره به آزار و اذیت مسیحیان در قرن شانزدهم میلادی و لیدی جین گری پرداخته ایم باشد که باعث بنا و تقویت و برکت ایمانداران عزیز باشد.

همانطور که جمله معروف تاریخ سازان آسمانی هر بار بیان می کند:

مردم معمولاً شکنجه و مرگ دردناک را به خاطر چیزهای دروغ تحمل نمی کنند.

آزار و اذیت مسیحیان در قرن شانزدهم در انگلستان و اروپا (۱۵۹۵-۱۵۵۳)

«هنری هشتم» پادشاه انگلیس، در نبرد خود با رم پیروز شد، چندین مرتبه ازدواج کرد، و کلیسایی مستقل برای خود ترتیب داد.

بر اساس برخی داده ها، هنری، تصمیم به ازدواج مجدد داشت ولی در آن زمان این کار برخلاف قوانین کلیسای کاتولیک بود و پاپ به او اجازه این کار را نمی داد. به همین دلیل هنری، در پارلمان انگلیس، خود را ریس کل کلیسای این کشور اعلام کرد و پاپ را از سمت خود خلع کرد و توانست مجدداً ازدواج کند و همچنین کاتولیک را به پروتستان تغییر داد.

هنری در سال ۱۵۴۷ درگذشت. پس از مرگش، جانشین او «ادوارد ششم»، هنوز بسیار جوان و مریض



احوال بود، بنابراین برای تثبیت قدرت، «دوک سامرست»، به عنوان مشاور پادشاه منصوب شد. اما او چنان اوضاع زمین داران ثروتمند را بر هم زد که در سال ۱۵۵۷ اعدام شد.

با ضعیف تر شدن ادوارد ششم، «دوک نورثامبرلند»، زمام امور را بر دست گرفت و بر آن شد تا لیدی جین گری، که او نیز جوان بود را به سلطنت برساند. او برای اینکه بتواند جایگاه خود را برای پادشاهی تثبیت کند، لیدی گری را مجبور کرد تا با پسرش ازدواج کند. البته مطمئناً دلایل زمانی و مذهبی در این توطئه ها و نقشه ها دخیل بوده است. ادوارد ششم، با رشد جنبش پروتستانی موافق بود و لیدی گری نیز خود رسماً پروتستانی بود. اما ادوارد شرعاً و قانوناً، وارث خواهر ناتنی ماری، دختر کاترین آراگون بود، که به اندازه سایر کشورهای اروپایی به رم (که کاتولیک بودند) وفادار بود. (در عنوان بعدی به جزئیات بیشتری در خصوص لیدی جین گری می پردازیم.)

در سال ۱۵۵۵، پارلمان قانونی را تصویب کرد و به موجب آن، سوزاندن در آتش را به عنوان مجازات برای بدعت گذاران بازگرداند. تنها چند روز بعد از تصویب این قانون، اولین شهدا به چوبه های برافراشته در میان آتش،

بسته شدند. پس از آن سیصد نفر دیگر نیز در آتش سوزانده شدند. به دلیل این اتفاق، تاریخ، ماری را یکی از بی عاطفه ترین فرمانروایان انگلستان نامید. با این حال ماری توانست به خوبی رهبری کند و با ازدواج ناخوشایند خود با «فیلیپ» از اسپانیا، پسر امپراتور چارلز پنجم، موجب خشم رهبران انگلیسی شد. بسیاری از آنها بر این باور بودند که سرسپردگی و وفاداری ماری نسبت به رم، استقلال انگلیس را از بین می برد و سیاست آن را تغییر می دهد. اگر ماری در جوانی (در سال ۱۵۵۸) نمی مرد، بسیاری گمان می کردند که احتمالاً یک شورش او را از بین ببرد. الیزابت اول (۱۶۰۳-۱۵۵۸) ثبات و آرامش را برای انگلستان به ارمغان آورد. استقرار مذهبی او در سال ۱۵۵۹ فصل جدیدی از آزادی را برای اصلاحات در انگلیس رقم زد. اما همزمان، زمینه را برای آزار و اذیت، پیوریتن ها (گروهی از پروتستان های اصلاح شده انگلیسی) و جستجوی آنها برای مکان جدیدی برای عبادت و زندگی فراهم کرد. در نتیجه آمریکای شمالی به خانه پناهندگان مذهبی اروپایی تبدیل شد.

اما با وجود تمام این ها، پیروزی کامل و قطعی همواره از آن ماست، به واسطه او که ما را محبت نمود.

(رومیان ۸: ۳۷)

لیدی جین گری (۱۵۵۴)

در حومه انگلستان صبح روز ۹ جولای ۱۵۵۳، برای لیدی جین گری مثل هر صبح تابستانی دیگری آغاز شد. اما این روز برخلاف انتظار جین گری و حتی برخلاف میل باطنی اش، روزی بود که به عنوان ملکه تاج گذاری شد. لحظه ای که پدر و مادرش مدت ها آرزوی آن را داشتند، اما خود او از آن واقعه وحشت داشت و دختر عمویش ماری، نیز از این موضوع می ترسید و بیزار بود.

شاه ادوارد بیمار بود، و مادرشوه جین شش روز قبل از آن نزد او آمده بود تا خبر دهد که او به عنوان وارث تاج و تخت انتخاب شده است. این خبر برای جین شوک بزرگی بود، زیرا ماری از نظر نسبی به شاه نزدیک تر بود. شاه ادوارد در ششم جولای درگذشت. خبر مرگش چند روز پنهان نگه داشته شد، به این امید که جلوی ادعای ماری (که کاتولیک بود) برای سلطنت گرفته شود. اما در ۹ جولای این خبر درز کرد و ماری خود را ملکه اعلام کرد.

در همان روز، جین را به خانه پدرشوهش، دوک نورثامبرلند، که مردی قدرت طلب بود بردند. وقتی جین از راهروهای آشنای آن خانه عبور می کرد، متوجه شد که اوضاع عادی نیست. همه کسانی که با او روبرو می شدند، تعظیم می کردند یا می گفتند: «ملکه بزرگوار». و سپس او را به اتاقی که در آن تخت سلطنتی خالی بود راهنمایی کردند. جین درحالی که به آن نزدیک می شد،

از حال رفت و به زمین افتاد. در همان حال با ناله گفت: «این تاج و تخت حق من نیست و من از این شرایط خوشحال نیستم، بلکه لیدی ماری وارث حقیقی آن است.» مدتی طول کشید تا خودش را باز یابد و تصمیم بگیرد که چطور باید رفتار کند، زیرا خانواده اش اصرار داشتند که تاج و تخت را بپذیرد.

جین کاری را که طبیعی بود انجام داد؛ او دعا کرد و از خدا خواست تا او را هدایت کند. سپس بر تخت نشست و از حاضران خواست با او سوگند وفاداری را بخوانند، چرا که از خدا خواسته بود به او روح و فیضی عطا کند که بتواند برای جلال و خدمت او، و به نفع سرزمینش حکومت کند.

اما بزرگ ترین چالش جین تازه آغاز شده بود. وقتی که وارد لندن شد، استقبال چندانی از سوی مردم صورت نگرفت، زیرا افکار عمومی به نفع ماری بود. چند روزی جین به عنوان ملکه باقی ماند، اما طولی نکشید که پدرشوهش، لرد نورثامبرلند، ارتشی گرد آورد تا به مقابله با ماری برود؛ از آن طرف، ماری هم ارتشی جمع کرده بود و به سوی لندن می آمد. در غیاب نورثامبرلند، شورای سلطنت تصمیم گرفت که ماری تودور را به عنوان ملکه اعلام کند، تصمیمی که جین هم به ناچار پذیرفت.

پدر جین ناامیدانه برای نجات خود تلاش می کرد و سرانجام با اینکه قبلاً دختر خود را بر تخت نشانده بود - به ماری اعلام وفاداری کرد. نورثامبرلند هم به سرعت موضعش را تغییر داد، اما دیگر دیر شده بود.

جین، پدرش، شوهرش و پدرشوهش همگی به برج لندن فرستاده شدند. پدر جین به طور موقت بخشیده شد، اما پدرشوهش در ماه آگوست اعدام شد. به جین و شوهرش نیز وعده عفو داده شد. اما توطئه یکی از دشمنان ماری باعث شد قلب او سخت شود و از بخشش آنها صرف نظر کند، به خصوص چون جین حاضر نشده بود به کاتولیک برگردد.

جین و شوهرش در یازدهم ماه فوریه اعدام شدند. وقتی جین را به محل اعدام بردند، او مزمو ۵۱ را خواند و سپس از جلاد خواست که کار را زودتر تمام کند. آخرین کلمات او همانند سخنان مسیح بر صلیب بود: «ای پدر، روح خود را به دستان تو می سپارم.»

در نهایت، جین به خاطر ایمانش شهید شد. او از همان ابتدا، قربانی بازی های سیاسی بود و خواسته های خانواده اش را برخلاف میل باطنی اش پذیرفت. با این حال، ایمان او بر پایه کلام خدا استوار بود، و با نیرویی که از آن گرفته بود و قدرت و جسارتی که خدا به او داده بود، مرگ را در آغوش گرفت.

برگرفته شده از کتاب ندای شهدا



گناه در تمام جهان پخش شد. طوری که همه گناه کردند.
نتیجه گناه هم مرگ شد. اما گناه نتوانست مانع عشق
خداوند به ما شود.



به همین دلیل او برای ما نقشه‌های داشت.

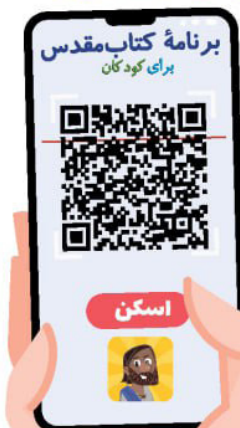
۴



متأسفانه آدم و حوا اشتباه کرده و از خداوند نافرمانی
کردند. این نافرمانی یعنی گناه باعث شد که در دنیا مرگ
به وجود بیاید و همچنین رابطه ما با خداوند از بین برود.
این گناه باعث شد جهانی که خداوند بدون هیچ عیب و
ایراد آفریده بود، خراب شود.

۳

برای خردسالان کمک بگیریم و اهمیت انتقال دادن کلام خدا را
به آنها نشان دهیم و در عین حال توانایی سخنگویی و مشارکت
آنها را تقویت کنیم. همچنین می‌توانیم اپلیکیشن «کتاب مقدس
کودکان» Bible for kids را دانلود
و نصب کرده و به همراه کتاب، با شنیدن
داستان به زبان‌های مختلف، سوالات در
مورد داستان، جایزه، تشویق و به دست
آوردن جوهر و گنج‌ها آن را دنبال کنیم.



اما در این شماره از ماهنامه اسمیرنا به داستان
«خبر خوش خداوند» در کتاب مقدس
کودکان می‌پردازیم. می‌دانیم این روزها،
روزهای کریسمس است پس با شادی برای
تولد عیسی مسیح جشن بگیریم. کریسمس و
تولد عیسی مسیح بر همه مبارک.



مقدمه

داستانهای
کتاب مقدس

با سلام درود بیکران به همه والدین و
مریان عزیز
تربیت و رشد فرزندانمان یکی از
بزرگترین مسئولیت‌هایی است که به عنوان
والدین و مریان برعهده ما گذاشته می‌شود تا
نسل بعد را با کلام و راه‌های خدا آشنا کنیم و فرصتی
را برای یافتن حکمت و معرفت در خداوند و کلام
او، برای آینده آنها مهیا سازیم.
کتاب «داستان‌های کتاب مقدس» برای کودکان در
سنین ۳ تا ۷ سال مناسب می‌باشد و در مسیر هدف
هر داستان، می‌توانیم با کمک گرفتن از رنگ‌ها و
تصاویر توجه خردسالان را به داستان متمرکز کنیم.
از بچه‌های بزرگتر می‌توانیم در بازگو کردن داستان

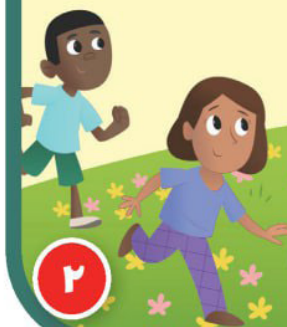
مروری بر داستان

خبر خوش خداوند

قسمتی از داستان باشید

در ابتدا خدا همه چیز را آفرید.
همه چیز را کامل و بی‌عیب آفرید.

او ما را به شکل خودش ساخت. خداوند ما را دوست دارد و
می‌خواهد که با ما رابطه نزدیک داشته باشد.



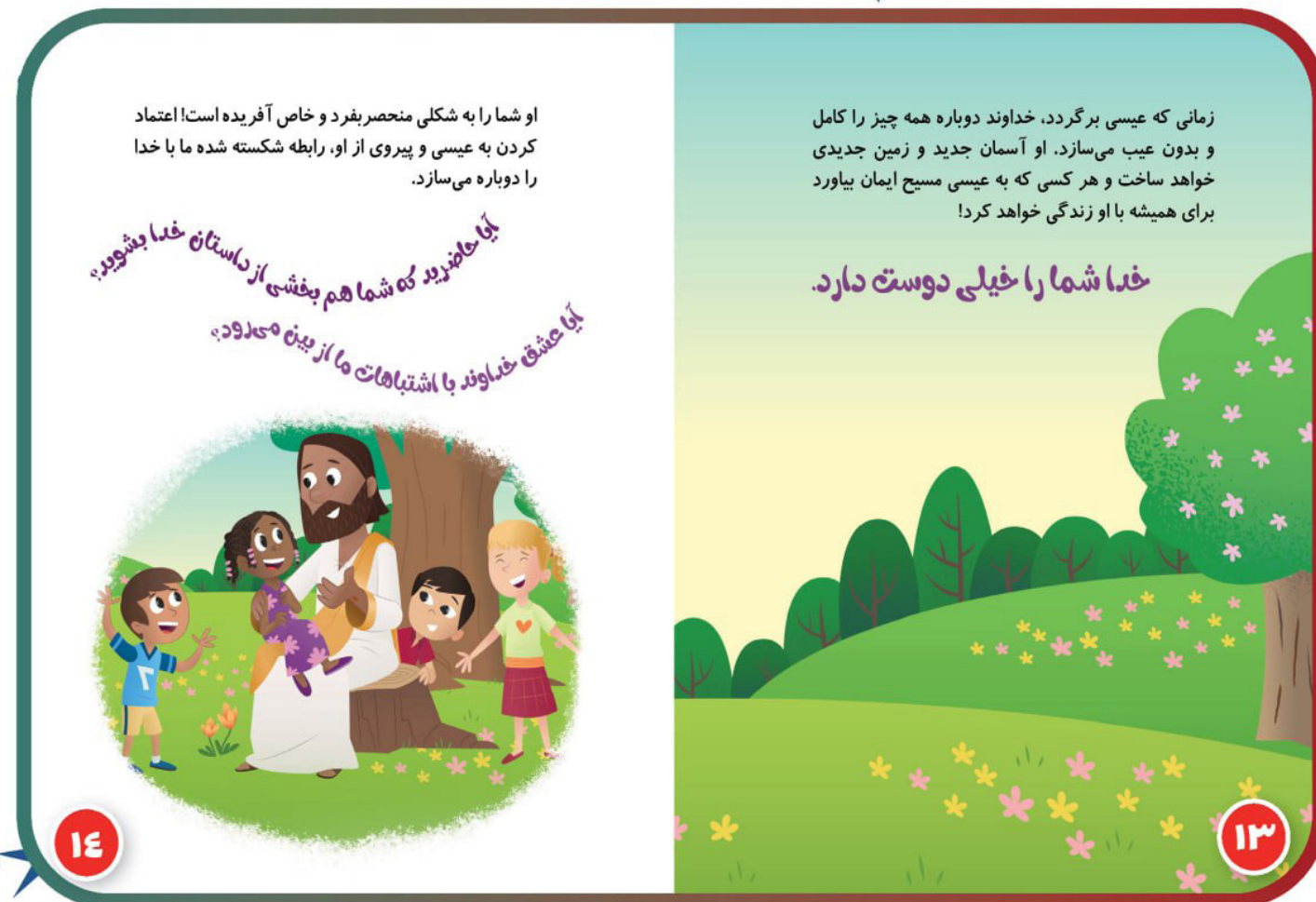
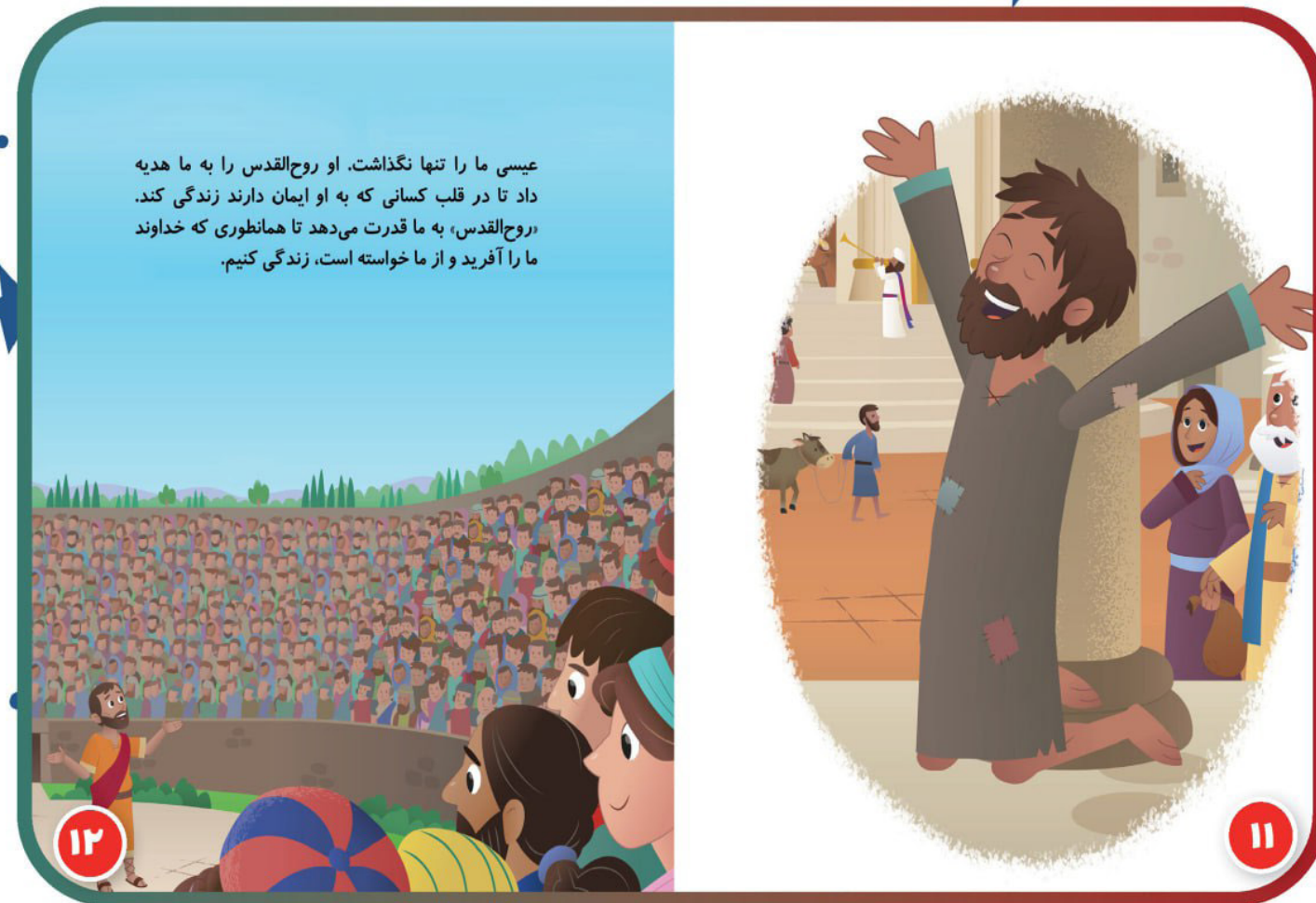
۲

۱

خداوند آنقدر ما را دوست دارد و محبت می‌کند که تنها
پسر خود یعنی «عیسی مسیح» را به این دنیا فرستاد.
گناه رابطه ما با خداوند را از بین برد، اما عیسی مسیح به این
دنیا آمد تا این رابطه دوباره درست شود.

۶

۵



گاردستی

بچه‌ها می‌توانند با وسایلی مانند چوب و کاه یا برگ آخوری را که عیسی در آن به دنیا آمده بود درست کنند.



تحقیق

از بچه‌ها بخواهیم با کمک والدین در مورد این سوالات که «چرا مسیح به دنیا آمد و چرا رابطه ما را با خدا درست کرد؟» از کتاب مقدس تحقیق کنند و نتیجه تحقیق خود را با دوستانشان در میان بگذارند.

از بچه‌ها بخواهیم که داستان تولد عیسی را با استفاده از تصاویر بیان کنند.



رنگ آمیزی کنید...



مسیر و هدف

- ۱ شناخت خدا
- ۲ رابطه ما با خدا
- ۳ قدم عملی

طرح سوال

- ۱ آیا حاضرید که شما هم بخشی از داستان خدا بشوید؟
- ۲ آیا عشق خداوند با اشتباهات ما از بین می‌رود؟
- ۳ هدیه عیسی برای کسانی که به او ایمان دارند چیست؟
- ۴ عیسی تا به کی زنده است؟
- ۵ عیسی چه چیزی را به انسان‌ها آموزش می‌داد؟
- ۶ چه چیزی رابطه ما با خدا را از بین می‌برد؟
- ۷ خداوند برای اثبات عشقش به ما چه کسی را به این دنیا فرستاد؟

نکات تأکیدی

- ۱ در ابتدا خدا همه چیز را آفرید و همه را کامل و بی‌عیب آفرید.
- ۲ خداوند ما را دوست دارد و می‌خواهد که با ما رابطه نزدیک داشته باشد.
- ۳ گناه رابطه ما با خدا را از بین می‌برد، اما عیسی مسیح به این دنیا آمد تا این رابطه دوباره درست شود.
- ۴ عیسی تا به امروز و برای همیشه زنده است.
- ۵ عیسی ما را تنها نگذاشت، او روح القدس را به ما هدیه داد تا در قلب کسانی که به او ایمان دارند زندگی کند.
- ۶ زمانی که عیسی برگردد، خداوند دوباره همه چیز را کامل و بدون عیب می‌سازد.
- ۷ او شما را به شکلی منحصر به فرد و خاص آفریده است.

آیه‌ای برای به خاطر سپردن

«امروز در شهر داوود، نجات دهنده‌ای برای شما به دنیا آمد. او خداوند مسیح است.»

انجیل لوقا باب ۲ آیه ۱۱

مشارکت پایانی و فعالیت عملی

از بچه‌ها بپرسیم در طول یک سالی که داستان‌های کتاب مقدس را شنیدند کدام داستان برایشان برجسته‌تر بوده و هر کدام از بچه‌ها داستان مورد علاقه‌شان را با بقیه به اشتراک بگذارند.

دعا

بچه‌ها می‌توانند با اتحاد دست‌های یکدیگر را بگیرند و برای اینکه عیسی مسیح را بیشتر بشناسند دعا کنند و جواب این سوال را بیابند که آیا دوست دارند قسمتی از داستان خدا باشند؟

کاربرد داستان

- ۱ این را بدانیم که تنها نجات دهنده عیسی مسیح است.
- ۲ نا فرمانی از خدا یعنی گناه.
- ۳ گناه رابطه ما با خدا را از بین می‌برد.
- ۴ عیسی مسیح به دنیا آمد تا این رابطه دوباره درست شود.
- ۵ خداوند محبت را به ما آموزش می‌دهد.
- ۶ در هر شرایطی بدانیم عیسی زنده است و دعا‌های ما را می‌شنود.
- ۷ اعتماد کردن به عیسی و پیروی از او، رابطه شکسته شده ما با خدا را دوباره می‌سازد.

تولد منجی
بشر بر همه
مبارک



ماجرای غریبه مسافر:

ای خداوند چرا مثل غریبی در زمین و مسافری برای شبی شده‌ای (ارمیا ۱۴ : ۸)

عیسی مسیح در کشور ما به عنوان کلمه زنده خدا شناخته و پذیرفته شده است بنابراین تولد او صحنه تبدیل حرف خدا به عمل اوست در جهانی که از شنیدن حرف و قول و وعده‌های تکراری خسته شده و امروز نیاز به تجربه برکت و صلح و سلامتی دارد.

موقعیت درونی و شرایط بیرونی ما دو موضوع مهم و سرنوشت ساز در نوع زندگی ماست. این شرایط فکری و روحی درون ما بعلاوه شرایط محیطی که در آن قرار داریم است که نوع سرنوشت ما را تعیین می کند نه شانس و تقدیر دیکته شده خدا.

ارمیا در زمان اسارت با وجودی که خدا را امید نجات می داند ولی حس می کند امروز خدا با موقعیت درونی اش غریبه و با شرایط بیرونی اش مانند مسافر رهگذریست که فقط برای شبی ظاهر می شود. وقتی به جهان درگیر جنگ و نفرت و ناامیدی و ناآرامی و مضطرب و آشفته می نگریم به ناچار ما هم مانند ارمیا حس می کنیم خدا برای ما غریبه و بیگانه ای بیش نیست.

واقعیت اینست که:

هویت خدا برای خصوصیات شخصیتی ما غریبه است محبت خدا برای نفرت و کینه و انتقام ما غریبه است برکت خدا برای زیاده خواهی و طمع ما غریبه است آرامش خدا برای دلهای مضطرب ما غریبه است کلام خدا برای روش های خودسرانه ما غریبه است

ماجرای غریبه مسافر

تولد کثفت انگیز عیسی مسیح بر جهان ما خجسته باد

حتی گاهی خدا برای کسانی که به او ایمان دارند و در موردش حرف می زنند و موجودیتش را تحلیل و تفسیر می کنند غریبه شده است. دو نفر از شاگردان مسیح بعد از قیامت از مردگان در راه عمانوس با او همراه شده در مورد او با خود او گفتگو می کردند ولی او را غریبه می دانستند (لوقا ۲۴ : ۱۸)

حقیقت اول اینست که در ابتدا ما موافق اراده خدا آفریده شده ایم و خدا هیچ تغییری نکرده بلکه این ماییم که تغییر کرده ایم مانند برادران یوسف که در هویت برادر بودن اینقدر تغییر کرده بودند که بعد از سالها یوسف را نشناختند. (پیدایش ۴۲ : ۸)

مسیح فرمود من دوست شما هستم (یوحنا ۱۵ : ۱۴) او نه فقط دوست مقدسینی مانند ابراهیم نامیده شد (یعقوب ۲ : ۲۳) بلکه دوست گناهکاران و باجگیران نیز نامیده شد (متی ۱۱ : ۱۹) بنابراین حس غریبه بودن از طرف ماست که آنقدر از اصل خود فاصله گرفته ایم که خدا را با خودمان غریبه می دانیم.

در شب تولد مسیح، او برای مسافرخانه دار بیت لحمی مسافر بی اهمیتی بود که برای شبی به مسافر خانه اش آمده و بیشتر از اقامت در طول ای تاریک و نمناک و بی ارزشی که مسیح در آن متولد شد ارزش نداشت.

امروز خدا برای خیلی از انسانها مسافری برای شبی و اصولا مسافری برای زمان خاصی تلقی می شود.

وقتی نیاز و گرفتاری و تنگی و مشکلی داریم می گوئیم بیا و زمانی که مشکلمان رفع شد می گوئیم برو

وقتی عدالت الهی به نفع ماست می گوئیم بیا و زمانیکه عدالت خدا بر ضد ماست می گوئیم برو وقتی مورد تهاجم و آزار قرار می گیریم می گوئیم بیا و زمانی که دیگران را آزار می دهیم می گوئیم برو وقتی به کلیسا و جلسات پرستشی می رویم می گوئیم بیا و زمانی که به ضیافت های نامعقول می رویم می گوئیم برو

وقتی در شرایط شبهای تاریک قرار می گیریم می گوئیم بیا و زمانی که روز می شود می گوئیم برو به این خاطر است که خدا برای ما مانند ارمیا در دوران اسارت به مسافری برای شبی و زمان خاصی تبدیل شده بود.

دوست عزیز:

مسیح متولد شده تا این دو معضل «غریبه و مسافر» بودن خدا در ذهن انسانها را رفع کند. او آمد که نه چون غریبه بلکه چون دوست وفادار جان خود را بر صلیب بخاطر آمرزش گناهان دنیایی که گرفتار جبر و جهل و جنایت و جنگ شده فدا کند. او فرمود دوست یعنی کسی که جانش را برای تو فدا کند (یوحنا ۱۵ : ۱۳) و او جان خود را برای ما فدا کرد (اول یوحنا ۳ : ۱۶).

او متولد شد تا نه مسافری برای شبی بلکه عمانوئیل خدا با ما باشد. خدایی که نه فقط در روزهای آفتابی می درخشد بلکه در شب های طوفانی نیز مانند فانوس دریایی درخشان است. او نه فقط در مرتع های سبز بلکه در وادی سایه مرگ هم شیان نیکو است و ما را حفاظت و حمایت می کند. او خدای سرمدی یعنی خدای ابدی است. او نه غریبه بلکه دوست و نه مسافر بلکه همراهی برای تمام فصلهای زندگی من و شماست. بگذارید این جشن تولد پر جلال مسیح شب جشن تولد پر افتخار رابطه جدید و نوع نگاه جدید شما و تجربه آغوش گرم او باشد.

میلاد پر جلال مسیح بر شما فرخنده و خجسته و لبریز از فیض صلح و سلامتی باد.



جلیل پور

Handwritten signature of Jalil Pour.



خداوند می‌خواهد تو را شاد کند

تولد منجی بشر بر شما مبارک
چقدر شگفت‌انگیز است که در این صفحه تا بدین‌جا شاهد کارهای خداوند میان زنان در کتاب مقدس بوده‌ایم؛ همچنین ارزش و هویت زن را یادآور شدیم و نگاه خداوند را دیدیم که در هر شرایطی برای ما زندگی و حیات را در نظر دارد. در این بین شاهد این بودیم که خداوند چطور با زنان حتی وقتی در اشتباهات خود گم بودند ملاقات داشته و آنها را به مسیر سلامتی و برکت فراخوانده و همین‌طور قدم برداشتن آنها نسبت به هدایت خداوند چطور بر محیط اطرافشان و نسل آینده تأثیر داشته است. خبر خوش این است که او امروز هم ما را می‌خواند و با ما سخن می‌گوید، خداوندی که بود و هست و می‌آید.

اما در فصلی تازه در صفحه «من یک زن هستم» می‌خواهیم نگاهی به کتاب اشعیا بیندازیم و ببینیم خداوند چه قدمهایی به ما می‌دهد تا وارد تسلی و شفا شویم. که این شفا و تسلی به اینجا ختم نمی‌شود بلکه او ما را قوت می‌بخشد تا دیگران را نیز مژده نجات دهیم.

«مبارک باد خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح، که پدر رحمتها و خدای همه دلگرمی‌هاست؛ که به ما در همه سختی‌هایمان دلگرمی می‌بخشد تا ما نیز بتوانیم با آن دلگرمی که از او یافته‌ایم، دیگران را که از سختیها می‌گذرند، دلگرم سازیم.» ۲قرن تیان ۱: ۳-۴

در شرایطی که ما زنان زندگی می‌کنیم فشارهای اجتماع نگاه جامعه و عملکرد خودمان و پیشینیانمان هر روزه ما را از نگاه خداوند و هدف اصلی دور می‌کند.

گاهی خود را در هویتی می‌یابیم که همچون مردیست در حال جنگ برای زندگی. حتی سعی می‌کند تمام نیازهای مالی را برطرف کند و مستقل باشد. و گاهی هم در پی ایفای نقش زنانه هویت اصلی خود را از یاد می‌بریم و به خواسته‌های دیگران توجه بیش از اندازه می‌کنیم و در هر دو شرایط خود حقیقی‌مان را گم می‌کنیم و در تلخی، آسیب‌ها را با آغوش باز می‌پذیریم.

شاید بارها فکر کرده‌ایم که اگر در جای دیگر یا در زمان دیگری به دنیا می‌آمدم این چالشها را نداشتم اما حقیقت ماجرا این است که داستان بشر تا بوده در همه زمانها

و در همه مکانهای دنیا همین بوده است. آری هر چه پیش رویم به عبارت معروف «هر جا برویم آسمان همین رنگ است» می‌رسیم. اما با توجه به همین درد بشر که از پیروی نفس سرچشمه گرفت، خداوند رحمت‌ها راهی برای بازگشت به آغوش امن‌اش فراهم کرد. **او نقشه نجات ما را کشید...**

در عهد عتیق کتاب مقدس شاهد نوشته‌هایی در این خصوص هستیم و در عهد جدید با تولد عیسی و مرگ و قیام او این نجات مهیا شد. او به میان ما آمد تا با قدرت عشقش بر صلیب نشان دهد که هرچقدر کوتاهی‌های ما یا گناهان ما بزرگ باشد عشق او انبوه گناهان ما را می‌پوشاند و طریق زندگی تازه به ما می‌آموزاند تا در شفا و سلامتی زندگی کنیم، برده نفس و تحقیرها و نگاههای دنیا نباشیم، بلکه فرزند و وارث حیات باشیم.

در کتاب اشعیا باب ۷ می‌خوانیم: «بنابراین خود خداوندگار به شما نشانه‌ای خواهد داد: اینک باکره آبستن شده، پسر را خواهد زاد و او را عمانوئیل نام خواهد نهاد.» و این همان وعده بود که از طریق مریم باکره به انجام رسید. این نوید به ما بانوان داده شد که تو ترک شده و منفور نیستی خطایای تو را می‌بخشم و تو را در نقشه نیکوی خود سهیم می‌کنم.

تصمیم مریم مادر عیسی

مریم با اطاعت تمام با وجود تمام عواقبی که این اتفاق مهم بر او داشت به خداوند «لییک» گفت. او شنیده بود که منجی بشر خواهد آمد و ایمان آورد اطاعت کرد و محبوبیت و آینده خود را ترک کرد تا محبوب خداوند باشد.

قرار بود از بطن او پادشاه عالم، نجات‌دهنده، به دنیا آید گویی تفکر ما از این اتفاق این است که باید مریم را تاجگذاری می‌کردند و محبوب عالم می‌شد اما چه اتفاقی افتاد؟ مریم تمام سختی‌ها را پذیرفت شاید یک تصویر از جلوی چشمانش رد شد که خانواده‌اش، نامزدش و جامعه او را طرد خواهند کرد اما آنقدر هدف و ماموریت خدا برایش پررنگ بود که لییک گویان سرود شادی خواند.

او به خداوند اعتماد داشت او می‌دانست خداوند به همه قسمت‌ها اندیشیده و فکر خدا والاتر از هر فکری هست. پس به فراخواند گیش پاسخ داد و فراتر



www.smyrna-magazine.com



مسیحی، مشارکت در کلیسا، و حضور در دعاها، تسلی حقیقی از آسمان را دریافت کرد. او شفا یافت و تصمیم گرفت زندگی خود را وقف خدمت به زنان و مادرانی کند که زخم‌های مشابهی را تجربه کرده‌اند.

او همراه با همسرش کلیسایی را شروع کردند که خدا در آنها شروع کرده بود. جایی که در آن به خانواده‌هایی که در تاریکی و درد و فقدان هستند، تسلی و تشویق می‌بخشند. این است کاری که خداوند در برابر زخم‌ها و تاریکی‌های دنیای ما انجام می‌دهد زمانی که تصمیم می‌گیریم قدرت او را بپذیریم. باشد که امروز ما نیز در پیشبرد ملکوت او با او همراه باشیم.

...

در سری تعلیمهایی که از کتاب اشعیا در خصوص دریافت تسلی و شفا از خداوند داریم برآن هستیم تا دریابیم چطور می‌توانیم زندگی خود را بر شناخت خداوند حقیقی بنا کنیم.

بنا کردن زندگی در جایی مطمئن خواسته هر کدام از ماست گاهی به خاطر یافتن این جای امن شاید شغل خود را، خانواده خود را ترک کرده و به دنبال امنیت هر روزه ناامنی را بیشتر تجربه کردیم، شاید مهاجرت کرده‌ایم، ترک شهر و دیار کرده‌ایم و در تلاطم بالا و پایین شدن ارزشها دچار طوفان شده‌ایم.

به عنوان مادران، خواهران یا دختران هر کدام از ما در پی یافتن این امنیت تلاش کرده‌ایم.

دغدغه ساختن محیطی امن برای خانواده، ما را هر روز مضطرب‌تر کرده و در نگرانی‌ها ساختاری ناپایدار را تجربه کردیم. اما در بین این همه تلاش و خستگی، خداوند ما را می‌خواند تا وارد امنیت او شویم اجازه دهیم او صاحب قلب و زندگی و آینده ما شود بگذاریم تا او ما را رهبری کند.

پذیرش عشق او شاید سخت به نظر رسد چرا که گاهی آنقدر تلخ هستیم که بر ضد او می‌اندیشیم و گاهی آنقدر خودمان را ناکافی و نالایق می‌بینیم که نمی‌توانیم وارد رابطه با او شویم غافل از اینکه به شایستگی ما نیست بلکه به بهای مرگ و قیام مسیح امروز قادر هستیم با او در رابطه باشیم او که جانش را فدیة داد، منتظر ماست تا خلقتی تازه در مسیح داشته باشیم تا دنیا بفهمد که نور او هر تاریکی را روشن می‌سازد.

در طول این مسیر و شماره‌های آینده قدم‌هایی را در این خصوص با هم مرور می‌کنیم. قدم‌هایی کاربردی که در جمع خانواده، اقوام و همچنین مشارکتهای کلیسایی می‌توانید با هم آن را تمرین کنید و یکدیگر را تشویق کرده و برای هم دعا کنید.

خداوند پیش از شما در مشارکتهای حضور خواهد داشت؛ او را دعوت و پادشاهی او را دنبال کنید.

تیم بانوان اسمیرنا

شد از یک بانو در خانواده یا حتی نزد همسرش، بلکه تاثیرگذار بر نسل آینده.

او تصمیم گرفت زندگی‌اش را روی صخره امن بنا کند گرچه شاید بسیاری از دوستان خود را از دست داد شاید دوران بارداری پرفشار و زایمانی در آخور داشت اما خداوند ستاره را بر فراز آخور نشان کرده بود و پرستندگان راستین را فراخوانده بود تا به ملاقات او و نوزاد آیند.

خداوند فکر همه چیز را کرده است او شرایط را می‌بیند، آخورهای زندگی ما را می‌بیند، او ما را می‌بیند و در پی احیای قوم تسلی را ندا می‌کند و آن کسانی که باید کنار ما آیند را هدایت خواهد کرد.

مریم شاهد بزرگ شدن فرزندش بود، شاید مثل هر مادری برای فرزندش رویای بزرگ داشت، او خدمت عیسی را دید مردمی که در پی شفا از پی او می‌آمدند و به صلیب کشیده شدن او را هم دید که چطور همان مردم او را مصلوب کردند او حق داشت که از تلخی نیست و نابود شود، اما خدا فکر همه جا را کرده بود او برای تسلی مریم اقدام کرده بود...

مریم با شاگردان و خانواده تازه یافته خود ماند و در روز پنطیکاست هم شاهد حضور تسلی‌دهنده (روح القدس) شد. او تسلی و احیا را گرفت و مژده آن را زندگی کرد.

امروز من و شما شرایط خودمان را چطور تصور می‌کنیم؟ آیا حاضر هستیم خدایی را که به ریز به جزئیات زندگیمان اندیشیده را بپذیریم و همچون مریم به زندگی معنادار خوشامد گوئیم یا در پی بطالت نگرانی‌ها می‌خواهیم در خود خوری و تلخی، تسلی و احیا را رد کنیم. تصمیم با ماست.....

همیشه با خود فکر کرده‌ایم که مشکلات ما از مشکلات دیگران بزرگ‌تر است، و همین باور نادرست باعث شده که به خودمان این حق را بدهیم تا در تلخی‌ها بمانیم و احیا را نپذیریم. اما خداوند از هر ترک و شکستگی، از هر تلخی و آسیبی، امیدی تازه می‌آفریند امیدی که نه تنها برای آینده ما، بلکه برای تأثیرگذاری بر نسل آینده نیز استوار است.

همان‌طور که در بررسی زندگی مریم دیدیم، او نیز با آزارها، شرایط سخت، از دست‌دادن‌ها و چالش‌های بسیاری روبه‌رو بود. اما وقتی دلش را به خداوند و پادشاهی او سپرد، توانست احیا و تسلی او را دریافت کند.

حال داستان زندگی مادری را با شما در میان می‌گذاریم که دختر نه‌ساله‌اش ربوده شد، و پس از دو سال، جسد او را در حالی یافتند که مورد تجاوز و آزار قرار گرفته و به طرز دردناکی کشته شده بود. این مادر، در آن زمان، عیسی خداوند را نمی‌شناخت و در عمق درد و آسیب روحی زندگی می‌کرد. اما با ورود به خانواده

www.smyrna-magazine.com



مردم که در تاریک گم بر مرده‌اشند
نوری عظیم دیدند؛ و بر آتشی که در سرزمین ظلمت
غلیظ ساکن بودند، نوری تابید. ۲:۹

بیهوش صباوت، خدای لشکرها ارتشی از زنان و مردان دعا را در سراسر دنیا از هر قوم و ملت و زبان رهبری می‌کند و عیسی مسیح امروز ما را کلیسا می‌خواند و از ما می‌خواهد تا نور او را به جهانیان اعلام کنیم.

پدر آسمانی، پدر سرمدی، پدر صلح و سلامتی! به حضور آمده‌ایم و اعتراف می‌کنیم که به تو و آسمان تو گناه کردیم، سال‌ها لعنت و بدخواهی از زبانمان و از فکرمان خارج شد. ای خداوند! ببخش که از عدم معرفت و شناخت تو به چنین جایگاهی رسیدیم که دشمنی، بدخواهی، کبر، غرور، حسد و هر آنچه که تو از آنها بیزاری فکر شب و روزمان شد. امروز برای توبه و عوض شدن قلب‌ها و افکارمان به حضور آمده‌ایم و ارتشی از زنان و مردان اسمیرنا امروز دست در دست تو گذاشتیم تا نور تو را به این وضعیت تاریک و سقوط کرده و به بیراهه کشیده شده ایران و ایرانی که در هر جای دنیا هستند دعوت کنیم. زبان ما قلب و جسم و جان ما تقدیم تو تا برکت و صلح از آن جاری شود.

خداوند! زمانیکه دنیا در تاریکی مطلق بود ستاره تو درخشید و نور آن باعث روشنایی جهان شد مردم و طایفه‌ها و قومها دیدند و خبر تو را شنیدند و به سمت تو به حرکت در آمدند. امروز ایران ما در همان تاریکی و ظلمت به سر می‌برد تاریکی غلیظ گناه و سایه‌ای که

طنین انداز شده از ظلم و غارت و زورگویی و حق خوری و انسانهایی که در این باتلاق هر لحظه برای بقا دستان خود را به هر چیز و ناچیزی دراز می‌کنند و این ما را از خلقت زیبای تو، از حق فرزندی، از حس وارث تو بودن دور و دور و دورتر کرده. امروز در همین روز مهم یادآوری تولد تو دعای خود را، صدای خود را و فریاد خود را به سوی تو و دستان خود را به سمت تو بلند می‌کنیم و از تو می‌خواهیم به یاد، آوری این سرزمین زیبا را و این مردمان عزیز را که دوستی با تو را از کف داده‌اند، تا به یاد، آوری و روشن سازی آن چشمانی را که سالهاست راه این ستاره را گم کرده‌اند. بر اندازی فلس‌هایی را که تاریکی برای نابینایی ملت ایران ساخت تا کارها و معجزات و محبت و فیض بی‌اندازه تو را ندیده بلکه به راههای خود بروند و در تفکرات خودساخته گم شوند. امروز بیداری تو، نور تو، قوت تو، حقیقت تو بر ایران و ایرانی روشن شده و نمایان گردد امروز ما را از تاریکی به نور ببر و قدرت سایه ظلمت و گناه را بر ایران و ایرانی بی اثر ساز.

خداوند! ذهنی روشن ده تا تولد منجی بشر را درک کنیم و کریسمس در قلب‌ها برپا شود.

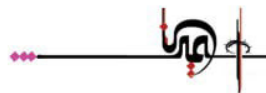
خداوند! هر دری از بیماری، لعنت، جادوگری و بت‌پرستی را به نام قدوس عیسی مسیح بسته اعلام می‌کنیم و از تو می‌خواهیم شناختی از خود به ما بدهی تا تو، خدای حقیقی را شناخته تا برای خواسته‌هایمان به اشتباه به شیطان، جادوگران و بت‌ها سجده نکنیم. ای خدای بی‌همتا! قلب رهبران و صاحب منصبان ایران را در دستان تو قرار می‌دهیم تا با لمس از راه‌های خود برگشته و دست از شرارت کشیده و پیروی تو را پیشه کنند تا روش‌ها و فکرهای تو وارد کشور شود و مردم و انسان‌ها در برکت تو ساکن شوند. باشد که تو بخرامی تا قلب سنگی سران کشور را به قلب گوشتی تبدیل شود و عشق و محبت را در آن بیدار کنی و تاریکی و نفوذ شیطان را در افکارشان بی اثر کنی تا در محبت و فروتنی رفتار کنند.

پدر آسمانی! ایمانداران کشور را به حضور می‌آوریم و برای ایشان محافظت تو را می‌طلبیم تا در راه جلال نام تو قدم بردارند و در اقتدار تو، کلام را به تشنگان و گرسنگان برسانند. آنهایی که در جفا و سختی و زندان هستند تو امروز قوت ببخش که در شرایط سخت هم امید تو را ببینند و طبق آن قدم بردارند.

باشد که ستاره تو را همچون مجوسیان دنبال کنیم و از راه‌های خود بازگردیم و با تمام قلب و دل و جان برای تو هدایا آورده و تنها تو را پرستش کنیم.

به نام عیسی مسیح دعا کردیم و با ایمان پذیرفتیم. آمین





دلوشته‌های دور و نزدیک

زنگ‌ها به صدا درآمده از هر طرف صدای شکرگزاری به گوش می‌رسد.

زمزمه قدوس قدوس قدوس. کسی می‌گوید «راه را باز کنید». پادشاه نزدیک است زیرا دختر باکره فرزندی به دنیا آورد او شاه جلال شاه شاهان است قلب‌ها را به سوی او باز کنید تا زندگی شما پر از عشق و محبت و آرامش شود و دنیای تاریک در نام او پر از نور شود. همه هستی چشم به ستاره او دوخته است تا ببینند کجا به دنیا آمد. مسیح مشتاقانه انتظار تو را دارم بیا و قلب را با نور خود روشن ساز آسمان شادی کند زمین بنوازد و همگان سرود شکرگزاری بخوانند. روزی که درب قلب را از فرط خستگی و ناامیدی باز کردم تو در قلبم و به دنیای روحانی درونم قدم نهادی با تولد تو در قلبم گویا من نیز باید متولد می‌شدم اما نه تنها با در و مروارید و هدایا در مقابلت زانو زدم بلکه کوله بار گناهانم را هم بر دوش نهادم و تو با فیض و خوشحالی آن را پذیرفتی و مرا در آغوش کشیدی. آن لحظه در تمام وجودم جشن امید برپا بود زیرا مهربان‌تر و با گذشت‌تر از تو ندیده‌ام. تو به دنیای درونم آمدی و من تولد دوباره یافتم با تو رشد کردم و آغاز نور بر تاریکی را درک کردم خداوند مسیح شکر با تو و کنار تو بزرگ شدم اگرچه لیاقت نداشتم اما تو برایم محبت و شادی به ارمغان آوردی مرسی که هستی

دخترت زهره



کرسمس مبارک

در کرسمس که خیلی از مردم به کلیسا می‌روند و میلاد عیسی مسیح را جشن می‌گیرند. عیسی مسیح به من آموخت برای شاد بودن فقط به درک عشق و برکت او نیاز داریم شکر برای عشق خداوند. با آرزوی عشق و برکت خدا برای شما و شبان عزیزم برادر امید و کلیسای اسمیرنا.

مینا



خداوندا عیسی مسیح شکر به دنیا آمدی تا هر چیزی که توسط شیطان از زندگی ما دزدیده و نابود شده بود به ما پس بدهی. آزادی از اسارت گناه، زندگی ابدی، مشارکت زنده و دوستانه با خدای حقیقی، شادی، آرامش، سلامتی و امید. همه را مسیح تو با تولدت، زندگی، مرگ و قیام خود از مردگان برای ما مهیا کردی. خداوندا در این کرسمس می‌طلبم حضور تو را ای صلح و سلامتی برای خودم و دیگران.

حتی اگر ما تمام اموال دنیا را داشته باشیم، در بزرگترین عبادتگاه‌ها دعا کنیم، بهترین دوستان دور ما را گرفته باشیم، خانواده‌ای عالی، موفقیت، شهرت، اما با تمام این وجود اگر قلب ما پر از غم و ناآرامی باشد زندگی ما ذره‌ای ارزش نخواهد داشت. اما خداوند عیسی مسیح تو را شکر می‌کنم که تو خبر خوش هستی و هر که به تو ایمان آورد فرزند تو خواهد بود. باشد که در فرزندی تو عمل کنیم و بگذاریم تو خداوند زندگیمان باشی و اگر در تلاطم سختی و تنگی افتادیم همواره امیدمان بر تو باشد، به تو ای خدای زنده و به بازگشت تو مسیح.

عیسی مسیح شکر برای کلام زنده‌ات که می‌گویی: «برای شما آرامش به جا می‌گذارم، آرامش خود را به شما می‌دهم. آنچه من به شما می‌دهم، نه چنان است که جهان به شما می‌دهد. دل شما مضطرب و هراسان نباشد» آمین.

کنیز تو، ستایشگر



خداوندا، خوش آمدی به دنیای تاریک من
تو که از نسل داوود زاده شدی ز روح‌القدس در بطن مریم
خوش آمدی به قلبم
شدی راه نجاتم، از کلامت نمایان کردی خودت را، در شک‌هایم
مرا شستی از گناهانم، تولدی نو بخشیدی در حیاتم
شدی مرهمی بر زخم‌هایم، شفایم بخشیدی ز عشقت
وعده‌ام دادی در زمانت، ایمان دارم به زنده بودن
ایمان دارم به محبت، زنده‌ام به نگاهت
شکر بهرت، شکر بهرت

دخترت مصر



میلاد توست... میلاد تو ای خداوند...

هدیه‌ای برای تو دارم، هدیه من به تو، پرستشم نزد توست، سرود «خوش آمدی ای نور» که برادرم برای تو سرود را با او اعلام می‌کنیم.

که خوش آمدی خوش آمدی ای نور
تو آمدی در دلم غوغا به پا کردی...

عیسی به دنیا آمد تا غم و گناه را از من بشوید او آمد چون همه غم داشتن او آمد چون او خود شادی بود. بله عیسی خوش آمدی در قلبم از تو سپاسگزارم که در این دنیایی که تو نیکو آفریدی و من با گناهانم خرابش کردم اما باز پا به خرابه‌های دنیای من گذاشتی تو آمدی در طویله قلبم به این دنیا آمدی حضور تو در قلبم مرا مبارک کرد.

طویله قلبم پر از نور و برکت تو شد تو به فکرم بودی و هستی و خواهی بود ای عیسی می‌خواهم در تو بمانم و می‌خواهم شاهد تو در خودم و دیگران باشم.

عیسی میلادت مبارک. امیدوارم تا هر چند سال در این دنیا زندگی می‌کنم من از آن تو و تو از آن من باشی. دوست دارم

دخترت سمیه



و باز کرسمسی دوباره...

درختها تزئین شده‌اند خیابان‌ها بوی جشن و پایکوبی می‌دهند؛ همه در فکر تدارک و خرید هدایا هستند؛ در مورد آرزوها و معجزات کرسمس باهم گفتگو می‌کنند.

... و من هم پر از شوق هستم برای تو خداوندم برای تو که به میان ما آمدی و قلب مرا آذین بخشیدی چقدر تو عجیبی و مهیب.

قلب من شکسته‌ترین قسمت وجودم بود نیازمندترین عضو من. تلخی‌های روزگار قلبم را سرد و سردتر کرده بود سنگی و زخمی، پر بود از غم و اندوه و سوگواری برای خود خودم. دیگر جایی برای محبت نبود فرار بهترین راهم بود، قلبم پر بود از دروغ‌هایی که باور کرده بود، بوی تعفنش به آخوری می‌مانست و تو وارد شدی نشانه‌هایت را دیدم و صدای کوبیدن در را شنیدم.

در بدترین و تاریکترین نقطه زندگیم تو نیکویی مطلق، منور شدی.

گویی نقطه قرار و اتصال تاریخ بود گذشته‌ام را شفا و آزادی را مژده دادی!

مرا از من جدا کردی و با خود پیوند دادی.

حال، دلم مشتاق عمق تازه‌ای از توست.

تو کلام خدایی که میان ما مسکن گزیدی. همان کلام که چون عسل تلخی‌هایم را شیرین کردی و حقیقت را بر من نمایان کردی.

تو معجزه عاجزی‌های من هستی. تو مرا از نو ساختی.

صدای تو مرا بیدار کرد و با مغان‌ها همراه شدم تا ستاره را تا به انتها دنبال کنم تو اینجا...

عطر خوش تو پیچیده... و بوی تعفن رخت برسته، محبت انبوه گناهانم را پوشانیده

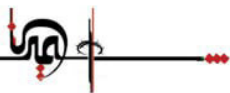
و قلب سرد و سنگم با حرارت عشقت گرم و پذیرا شده.

آب حیات در آخور زندگیم جاریست.

میلادت مبارک هر روز مرا تبدیل ساز...

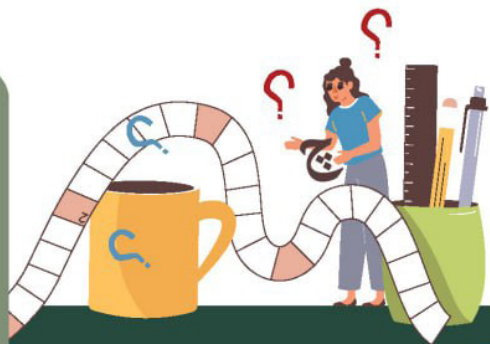
تو خدا و خداوند هستی تا ابدالابد...

دخترت سمیه



۱. مورد آزمایش خدا قرار گرفت و صبور بود/ به ما آن را بخشید با زخم‌هایش/ کمر بند او عدالت خواهد بود و شال کمرش آن.
۲. ندا دهنده در بیابان/ فرقه‌ای در زمان عیسی.
۳. ترس خداوند سرآغاز آن است/ در دعا آنطور باشید.
۴. امیدها/ اگر برای نیکویی کردن غیورید کیست که به شما آن را رساند/ هدایت کننده.
۵. خشم احمق را می‌کشد و آن احساس ساده لوح را/ با تولد دوباره در خداوند، آن می‌شویم.
۶. نبی گریان/ از شما نفرت دارد چون با عیسی هستید/ صورت.
۷. یحیی در آنجا تعمید می‌داد.
۸. یهوه صباوت، به معنی خداوند آنها است/ سلاح انفجاری.
۹. حمل کننده/ حواری خائن/ بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر ایتالیا.
۱۰. برعکس اولین عدد زوج/ عیسی آنها را از بدن مردم بیرون می‌کرد/ افشای راز.
۱۱. کوهی که در آن خدا با موسی حرف زد/ آزمندی/ گِل آهک.
۱۲. اساس/ به معنی بی‌مغز در انجیل.
۱۳. هر جا روح خدا باشد آن نیز آنجاست/ اصل و مایه/ ضمیر غایب.
۱۴. زبان عیسی.
۱۵. حکمتی که از سوی پدر باشد بری از آنهاست/ یحیی مردم را به چه دعوت می‌کرد.

عمودی

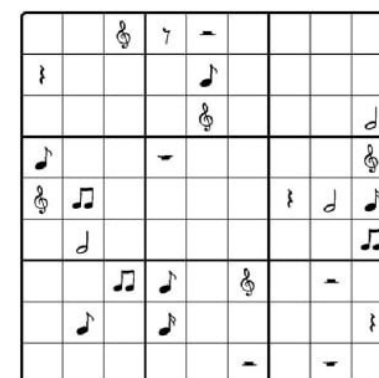
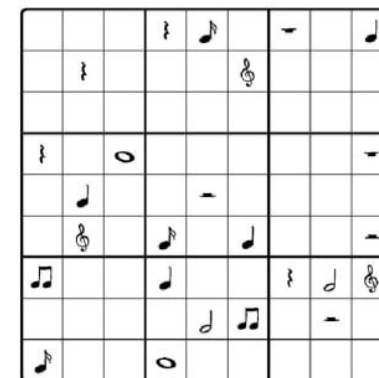
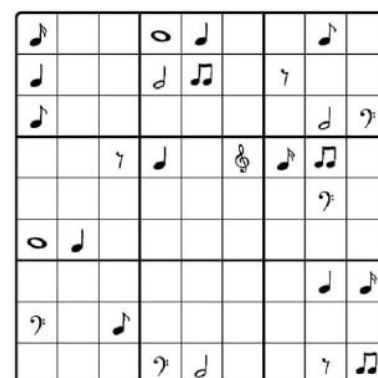
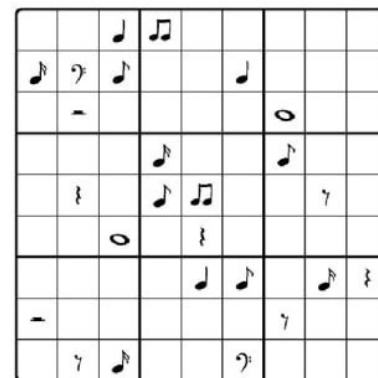


افقی

۱. فرزند وعده/ شالوم.
۲. اندک/ از ثمرات روح القدس.
۳. من و تو/ گم بدون سرکش/ آواز.
۴. شهری که عیسی به دنیا آمد/ فرمان ماشین.
۵. یهودا در ازای چند سکه عیسی را فروخت/ پایتخت کشور عربستان.
۶. به معنی عطا شده/ توانگر/ حسد.
۷. یهوه، خدای بخشنده/ از شاگردان عیسی.
۸. میوه و محصول/ خرس آسمانی/ ضمیر جمع/ در کدام انجیل بیش از سایرین از پیشگویی‌های عهد عتیق نقل شده.
۹. نمناک/ ساز مولانا/ ثمره همیستی.
۱۰. چشم انداز/ آنگاه نیز که درخواست می‌کنید نمی‌یابید زیرا با آن حالت درخواست می‌کنید.
۱۱. ایمان به تنهایی و بدون عمل/ با انجام دادن آنها پارسا شمرده نمی‌شویم.
۱۲. ضامن چیزهایی نادیدنی/ تکبر/ پایداری در دوستی/ رایحه.
۱۳. گرداگرد دهان/ اجتناب کردن/ به هم نزدیک شدن.
۱۴. حرف صلیب/ به کسی گویند که برای جلال نام عیسی خدمت می‌کند/ چاه بی انتها.

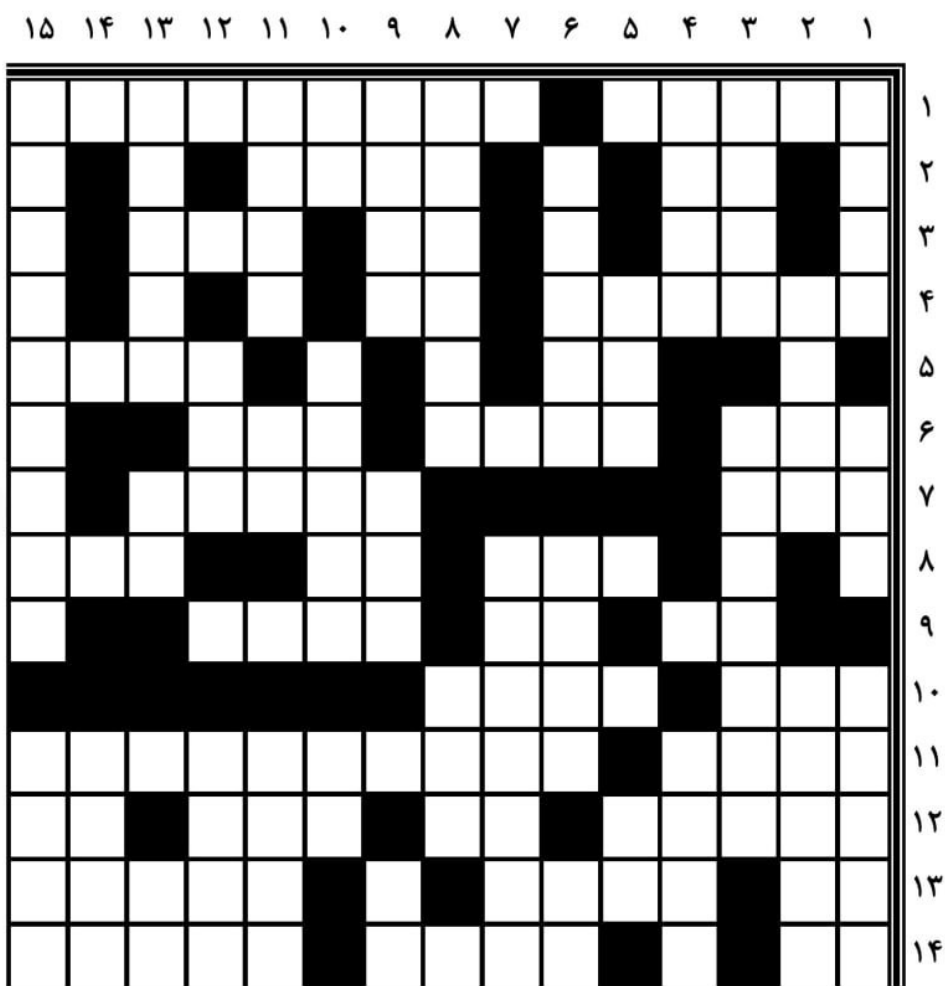
پاسخ جدول شماره ۱۱۵

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ع		ر	ی	ع	ن	ا	ت	خ	ر	د
۲	ن	ا	ی	ن		ا	گ	ن	ا	ب	ی
۳	ع		ر	د	پ	ا	ر			ر	ت
۴	ا	ب		ا	س	م		ا		ن	ی
۵	م	ر	س		ا	ن	ز	ا	ت	ی	ن
۶	ن	ا	ر	ا	ب		ا	م		ع	خ
۷	د	ی	ن		ر	ی	ل	ر	د	ا	س
۸			د	ع	م	ا		خ	م		ر
۹	ی	ع		ی	ع	د	م		ب	ل	ب
۱۰	م		ا	ع	ب	ل	ب		ت	ک	م
۱۱			د		ک	د		ر	ا	ر	گ
۱۲	ن	ی	م	ا		ن	ا	ت	و	ر	ف



جدول شماره

۱۱۶



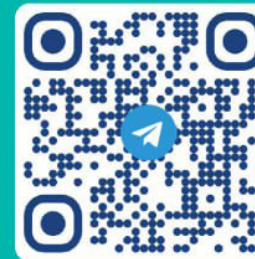
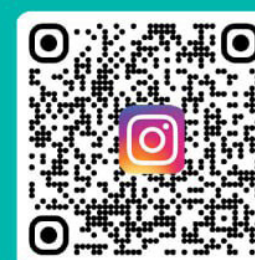
تیم طراحی جدول و
سرگرمی اسمیرنا



و کلام انسان شد و در میان ما ممکن گزید. ما بر جلال او نگریدیم. جلای
شایسته آن پسر یگانه که از جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی. از پری او ما همه
بهره مند شدیم. فیض از پی فیض. زیرا شریعت به واسطه موسی داده شد؛ فیض و
راستی به واسطه عیسی مسیح آمد. هیچ کس هرگز خدا را ندیده است. اما آن پسر
یگانه که در آغوش پدر است. همان او را شناسانید.
یوحنا ۱

میلاد منجر بشهر شامبارک



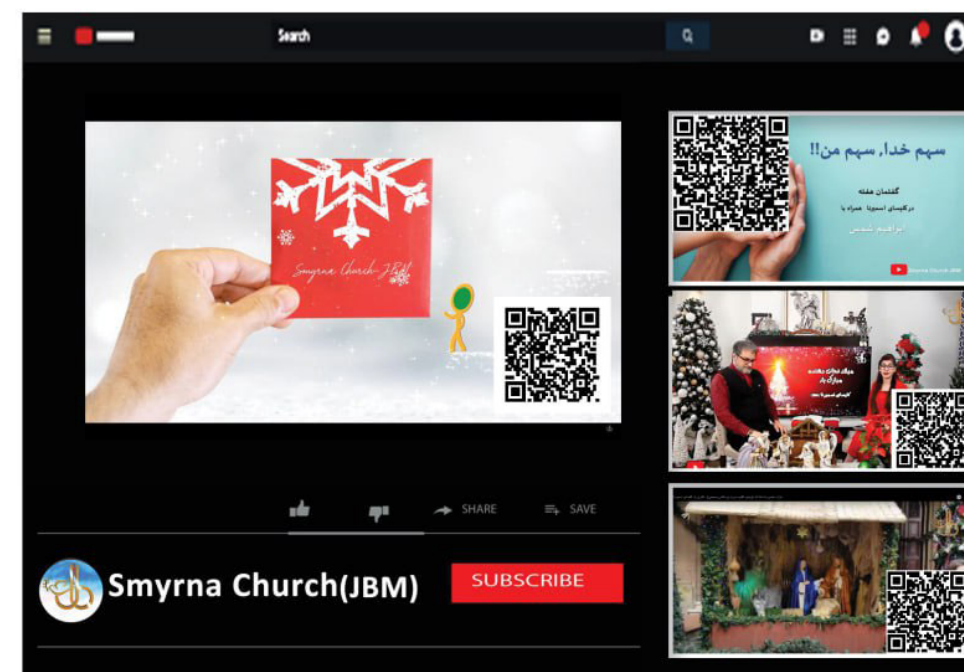


شما با اسکن بار کد «لینک تری» می‌توانید به تمامی آدرسها و راههای ارتباطی ما دسترسی داشته باشید.
@smyrna_church_jbm



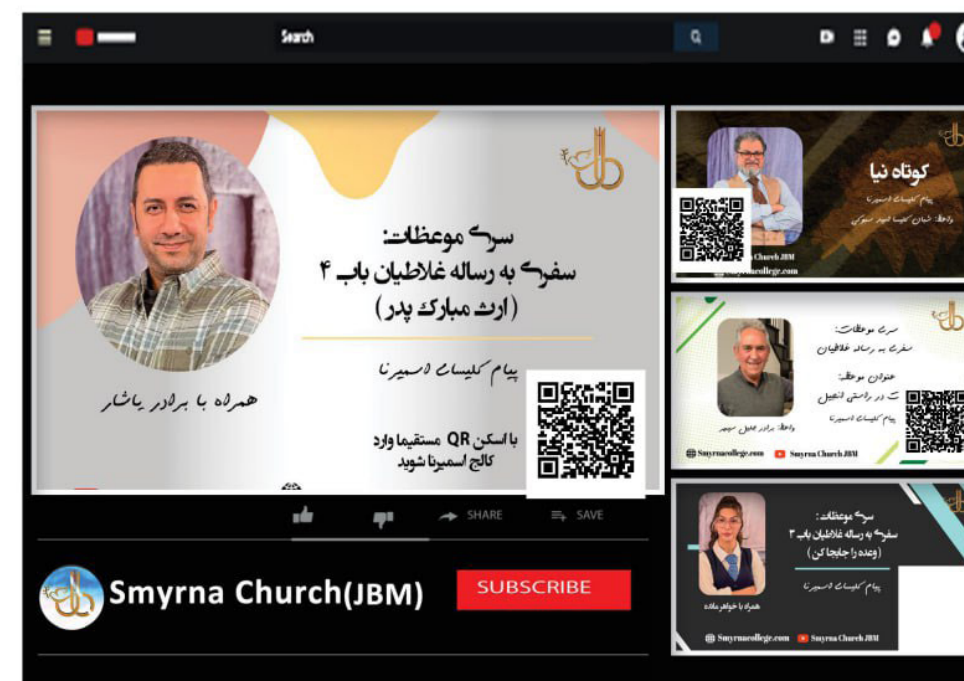
گفتمان

برای تماشای گفتمان‌های می‌توانید به کانال یوتیوب ما در بخش «گفتمان زنده» مراجعه نمایید. هدف از برگزاری گفتمان‌ها رشد و گام زدن در مسیر درست و زندگی هدفمند می‌باشد. در این گفتمان‌ها به مسائل مختلف روزمره در راستای شناخت خدای حقیقی، خدایی که با عشق برای نجات ما قدم برداشت می‌پردازیم. شما می‌توانید نظرات و سوالات خود را با ما از طریق راههای ارتباطی مطرح کنید.

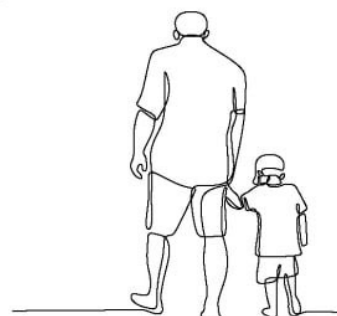


موعظه

موعظه‌ها و برنامه‌های کلیسای اسمیرنا بر روی کانال برقرار می‌باشد. هر یکشنبه ساعت ۱۹ به وقت ایران شما می‌توانید در جلسه رسمی کلیسا شرکت کنید. (بر کانال یوتیوب، اینستاگرام و تلگرام). هر یکشنبه در شبکه ماهواره‌ای محبت نیز می‌توانید موعظه‌های کلیسای اسمیرنا را دنبال کنید.

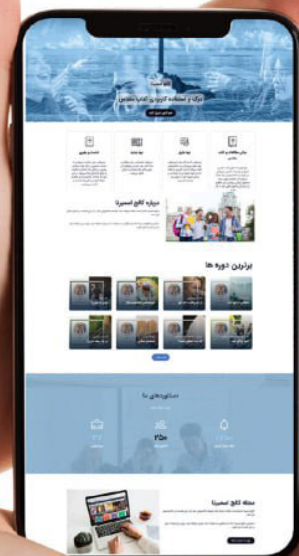


کالج اسمیرنا با هدف درک و استفاده کاربردی کتاب مقدس در زندگی یک ایماندار تاسیس شد. این کالج تلاش می‌کند تا به دانشجویان و علاقه‌مندان کمک کند تا اصول کتاب مقدس را در زندگی مدرن و مسائل جاری امروزه اعمال کنند. در این راستا، کالج اسمیرنا برنامه‌های آموزشی و دوره‌های مختلفی ارائه می‌دهد که به دانشجویان این امکان را می‌دهد تا با مطالعه عمیق کتاب مقدس و مفاهیم آن، راهنمایی‌های لازم را برای مواجهه با چالش‌های روزمره بیابند.



در نسخه دیجیتالی مجله فرهنگ و هنر اسمیرنا کافیت روی آدرس‌ها کلیک کنید تا به طور مستقیم وارد شوید.

کالج اسمیرنا



انتشارات اسمیرنا



خبر خوش

خداوند امروز شما را به سفری دعوت می‌کند تا با او همراه شوید. او مشتاق است تا وارد زندگی شما شود و زندگی تازه‌ای به شما ببخشد.

تمامی این خدمت‌ها تدارک خداوند است تا این خبر خوش به شما برسد. اگر شما هم مایل هستید در این سفر با او همراه شوید و او را بشناسید با ما تماس بگیرید. تیم اسمیرنا آماده خدمت به شما عزیزان است تا شما را در این سفر همراهی کند. فراموش نکنید او منتظر شماست. در هر شرایطی که هستید.

(+1) 770 268 91 76
(+1) 469 793 96 88
(+90) 534 269 75 45

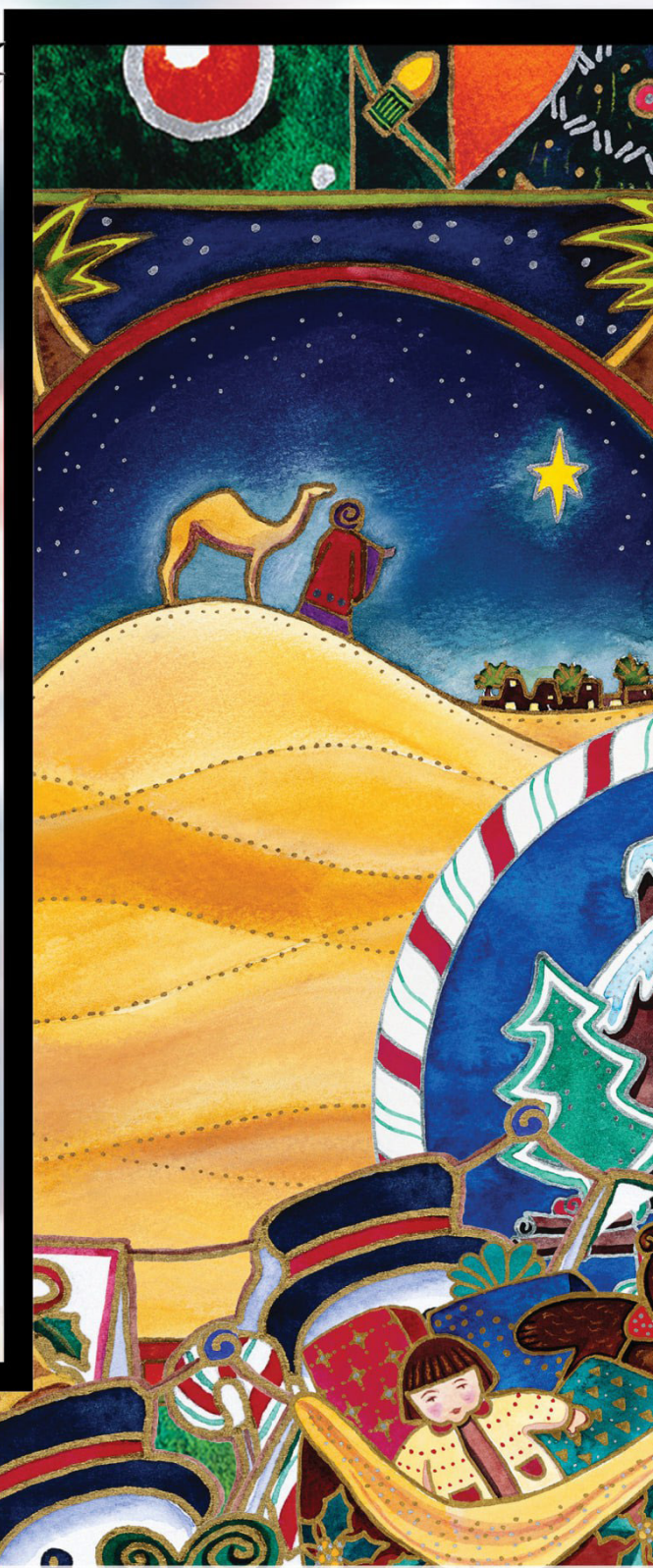
smyrnamagazine@gmail.com
info@jubalbandministries.org



برای دریافت نسخه چاپی کتاب زن و دیگر کتابهای انتشارات اسمیرنا با ما تماس بگیرید.



با ما تماس بگیرید



www.smyrna-magazine.com

Copyright © 2025 by JBM

Presented By Jubal Band Ministries

JUBAL BAND presents :

The Monthly magazine in Persian that promotes the biblical faith and Iranian Christian culture
please contact with us by : (+1) 770 268 9176 - (+1) 469 793 96 88 - (+90) 534 269 75 45

شماره ۱۳۵